



امنیتی شدن مساله آب میان افغانستان و ایران

صفحه ۴

صبح ۸

سال شانزدهم
شماره ۳۹۰۶
سه‌شنبه
۲۶ ثور ۱۴۰۲
۱۶ می ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

بازار سرد کتاب‌فروشی‌ها در هرات؛

کتاب‌فروشان در تلاش شغل‌های دیگرند



رشد نهادهای آموزشی و تحصیلی در افغانستان یکی از دستاوردهای برجسته دوره جمهوریت به‌شمار می‌رود. در دو دهه گذشته جوانان زیادی در شهرها و روستاها تا حدی به مطالعه علاقه پیدا کرده بودند. این علاقه‌مندی دانشجویان و جوانان بازار چاپ را در بزرگ‌شهرها گرم ساخته بود. اما سقوط نظام جمهوری، بسته شدن مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران، فقر اقتصادی و نبود ثبات سیاسی در کشور از عواملی شناخته می‌شود که جوانان را از مطالعه و خرید کتاب دلسرد ساخته است...

صفحه ۳



افزایش فقر و گرسنگی؛

دو میلیارد و ۱۹۳ دالر کجا شده است؟

آیا روسیه با طالبان در خواهد افتاد؟

صفحه ۶

کارزار تطبیق واکسین پولیو در ۲۳ ولایت افغانستان آغاز شد

۸ صبح، کابل: برنامه ریشه‌کنی پولیو در افغانستان می‌گوید که کارزار تطبیق واکسین پولیو در ۲۳ ولایت افغانستان آغاز شده است.

این برنامه روز دوشنبه، ۲۵ ثور، در توییتهای آغاز کارزار سراسری تطبیق واکسین پولیو در کشور خبر داده است.

در همین حال، داکتر زمان شرافت، سخنگوی وزارت صحت عامه طالبان، می‌گوید که این کارزار در ۲۳ ولایت و ۲۱۷ ولسوالی تطبیق خواهد شد.

شرافت همچنان گفته است که این کارزار از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ ماه جاری ادامه خواهد داشت.

قرار است در این دور کارزار تطبیق واکسین فلج



کودکان (پولیو) ۴ تا ۶ میلیون کودک زیر سن پنج سال دو قطره واکسین دریافت کنند. افغانستان و پاکستان دو کشور در جهان هستند که هنوز فلج کودکان در آن صفر نشده است. به‌تازگی سازمان ملل متحد از ثبت یک رویداد مثبت فلج کودکان در ننگرهار خبر داد. کارزار واکسین پولیو از سوی تیم‌های رضاکار در مراکز ولایات و ولسوالی‌های افغانستان هر سه ماه یک بار راه‌اندازی می‌شود.

سفیر افغانستان در هند: به کاردار معرفی شده طالبان اجازه ورود به سفارت داده نشد



۸ صبح، کابل: فرید ماموندزی، سفیر حکومت پیشین افغانستان در هند می‌گوید که به کاردار معرفی شده طالبان از سوی کارمندان اجازه ورود به تعمیر این سفارت داده نشده است.

آقای ماموندزی روز دوشنبه، ۲۵ ثور، در یک نوار تصویری خبر برکناری‌اش را شایعه خواند و گفت که این سفارت پس از سقوط حکومت پیشین، هیچ نوع ارتباطی با طالبان ندارد.

به گفته او، در حالی که در سفر بود، یک کارمند سفارت به نام قادرشاه، «برخلاف اصول دیپلماتیک» خود را به وزارت امور خارجه هند به‌عنوان نماینده طالبان و سرپرست سفارت معرفی کرده است.

او افزود: «حدوداً سه هفته پیش یکی از کارمندان سفارت به نام قادرشاه خود را به‌عنوان سرپرست سفارت برخلاف موازین دیپلماتیک خود را گماشته‌شده طالبان به وزارت امور خارجه هند معرفی کرده و زمانی که کوشش نمود داخل تعمیر سفارت شود از جانب همکاران سفارت برای موصوف اجازه داده نشد.»

وی می‌افزاید که هند باید با در نظر داشتن اراده مردم و همخوانی با اصول دیپلماتیک در مورد قادرشاه تصمیم بگیرد.

طالبان دوتن را در کابل و پنجشیر بازداشت کردند

۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی در ولایت پنجشیر می‌گویند که یک راننده تاکسی در این ولایت پس از بازداشت از سوی طالبان ناپدید شده است.

این فرد احمدمیر نام دارد و طالبان او را روز شنبه، ۲۳ ثور، از منطقه دالاسنگ ولسوالی شتل ولایت پنجشیر بازداشت کرده‌اند.

به گفته منابع، طالبان احمدمیر را در مسیر پنجشیر-کابل بازداشت و به جای نامعلوم انتقال داده‌اند.



هرچند تا کنون انگیزه بازداشت این فرد معلوم نیست، اما ساکنان محلی می‌گویند که احمدمیر با هیچ گروهی ارتباط نداشت.

در همین حال، منابع از بازداشت یک محافظ فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پیشین نیز خبر می‌دهند.

فرد بازداشت شده ذکرالله نام دارد و حدود ۱۴ روز پیش منطقه لوی‌بابه‌جان شهر کابل بازداشت شده است.

منابع مدعی‌اند که ذکرالله به‌دلیل شکنجه زیاد در

«در سنگر برابیم شعر می‌خواند»؛

روایت مادری که سه دهه جنگ پسرانش را از او گرفت

صفحه ۵



دموکراسی ترکیه و حسرت‌های ما

مصطفی کمال اتاتورک تقریباً همزمان با رضاشاه میرپنج در ایران و امان‌الله خان در افغانستان، در راس قدرت قرار گرفت و ترکیه مدرن را بنیان گذاشت...



صفحه ۶

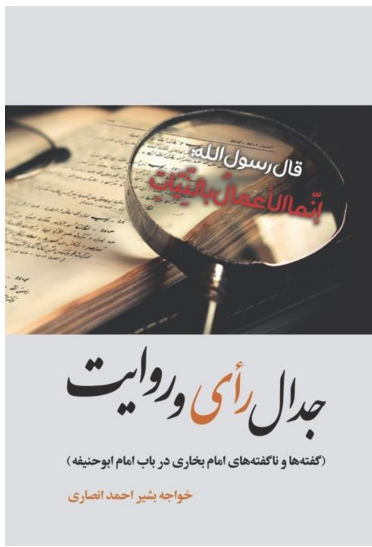


مادران قربانیان اصلی سیاست‌های طالبانی

هرسال چند بار میان مردم افغانستان نام مادر و زن سر زبان‌ها می‌افتد و گروه بزرگی از هم‌وطنان ما به مناسبت‌هایی از مقام مادران و زنان تجلیل می‌کنند. برخی از این مناسبت‌ها محلی و مذهبی و تعدادی جهانی‌اند. دو روز قبل نیز مقام مادر در رسانه‌ها تجلیل شد و کسانی پیام‌های مهر و شکرگزاری به مادران و زنان خانواده خود ارسال کردند. قبل از طالبان به این مناسبت‌ها کمپین‌های عمومی نیز انجام می‌شد و در تلویزیون‌ها، ادارات و نهادها به ارتباط وضعیت زنان و محرومیت‌های‌شان صحبت و اطلاع‌رسانی صورت می‌گرفت. در عمل نیز گام‌هایی برای تامین حقوق زنان و کاهش محرومیت‌های آنان به‌خصوص جلوگیری از مرگ‌ومیر مادران هنگام بارداری و تولد طفل، برداشته شده بود. دسترسی مادران به امکانات طبی، به‌خصوص در مناطقی که طالبان نفوذ نداشتند، مرگ‌ومیر مادران را به‌طور قابل توجهی کاهش داده بود. تنظیم خانواده و ایجاد فاصله بین ولادت‌ها نیز در بخش‌هایی از جامعه رایج شده بود. تعلیم و ارتقای آگاهی زنان، ازدواج‌های اجباری را کاهش داده بود، سن ازدواج میان صدها هزار زنی که کار و تحصیل می‌کردند بالا رفته بود و آنان در تشکیل خانواده‌های سالم‌تر و تواناتر، نقش مهم بازی می‌کردند. با گذشت زمان، افزایش این گروه از زنان و خانواده‌ها تاثیر سازنده و الگوبخش در جامعه به‌جا می‌گذاشت و امید می‌رفت که کشور از معضلات پرهزینه و موانع بسیاری که عقب‌مانده‌گی را بر زنان و از آن طریق بر کل جامعه تحمیل می‌کرد، به‌تدریج نجات یابد. اما برگشت طالبان، آن امید را برای مدت نامعلومی نقش برآب کرده و اکنون مادران رسماً به گروگان گرفته شده‌اند و طالبان جایگاه برده‌گان جنسی و ماشین‌های چوپه‌کشی را برای آنان معرفی کرده‌اند. تمام چیزهایی را که به مادران استقلال و آگاهی لازم برای مدیریت زنده‌گی شخصی، خانوادگی و اجتماعی می‌دهد، حذف کرده‌اند. وزارت امور زنان را لغو کرده و جایش را به نهادی که ماموریت اصلی‌اش اجرای محدودیت بر زنان است، سپرده‌اند. تعلیم، تحصیل و کار زنان را که در تقویت مادی و معنوی مادران نقش حیاتی دارند، ضد امارتی و ناجایز عنوان کرده‌اند. توزیع امکانات صحنی که زنان را در تنظیم خانواده و ایجاد فاصله میان ولادت‌ها یاری می‌رساند، منع کرده‌اند. در نتیجه این سیاست‌ها، مادران با محرومیت‌های کم‌سابقه و وضعیت دردناکی مواجه شده‌اند که زنده‌گی آنان را کوتاه و پر از درد و رنج‌های بسیار می‌کند.

در شرایطی که کشور با بحران‌های اداری، اقتصادی و محیط‌زیستی مواجه است، ازدواج‌های اجباری و زودهنگام تشویق می‌گردد و هر روز بر تعداد کودکان گرسنه و فاقد امکانات افزوده می‌شود. این‌گونه، حاکمیت طالبان زنجیره عقب‌مانده‌گی، بی‌تعلیمی، فقر و بیماری را بر تن جامعه بی‌دفاع ما پیچانده است که مادران قربانی اصلی آن هستند. در نزدیک به دو سال اخیر اعتراضات بسیاری علیه سیاست‌های ضد زن طالبان شده است. گروهی از زنان با اعتراضات شجاعانه و بیرون شدن به جاده‌ها، الهام‌بخش شدند. اعتراضات آشکار و پنهان در سراسر کشور و حتا مناطق دورافتاده‌ای که سال‌ها در چنگ طالبان بوده است، دیده شد. آثانی که به رسانه‌ها دسترسی داشتند، تلاش‌هایی برای بلند کردن صدای زنان کردند. برخی نهاد‌های خارجی نیز گزارش‌ها و اعتراضاتی داشته‌اند. اما تا کنون نه‌تنها گشایشی به وجود نیامده، بلکه گروه طالبان دایم حلقه را بر زنده‌گی زنان تنگ‌تر کرده است. با این وضعیت، حتا اگر هیچ دلیل دیگری بر زشتی حاکمیت طالبان و ضرورت مبارزه با آن وجود نداشته باشد، نجات زنان از زندانی که امارتش نام گذاشته‌اند، برای همه، به‌خصوص آثانی که مادران، خواهران، دختران و همسران‌شان را دوست دارند، مبارزه علیه طالبان الزامی سازد.

جدال رای و روایت، نگاهی به عقل‌گرایی و عقل‌گرایی در اندیشه اسلامی



محمد محق بخش اول

پس از نشر رساله جناب داکتر بشیراحمد انصاری، زیر عنوان «جدال رأی و روایت» گفت‌وگوهای موافق و مخالف فراوانی پیرامون آن به راه افتاد. این که این اثر توانست در میان علاقه‌مندان مباحث دینی در محیط ما مایه بحث و گفت‌وگو شود، در ذات خود بسیار ارزشمند است. مهم این نیست که ما با همه دیدگاه‌های یک نویسنده موافق باشیم، مهم این است که اثر وی بتواند در مرداب راکد اندیشه در محیط ما تموج و تحرکی پدید آورد. اساساً نوشته‌ای که تاثیری در پی نداشته باشد، پرسشی برنینگیزد، تکاپویی در پی نیابد و موجب تحرکی در اذهان نشود، نوشته مرده و دوراندختنی است، مانند بسیاری از نوشته‌های کلیشه‌ای و تصنعی که زیر عنوان رسایل ترفیع علمی، پایان‌نامه‌های ماستری و دکتورا و مانند این‌ها در دانشگاه‌های افغانستان و منطقه ما نوشته می‌شود و حتا به یک بار خواندن نمی‌ارزد. اما رساله جدال رأی و روایت به عکس چنان نوشته‌هایی توانست موجب جنبیدن اذهان و گفت‌وگوهایی در آن زمینه گردد و این در حد خود یک موفقیت برای آن است. اساساً اثر علمی هنگامی واقعا اثر علمی است که متضمن کشفی باشد، چه کشف اصل قضیه و چه کشف زاویه جدیدی در پرداختن به آن. آنچه که قبلاً گفته شده است نباید از نو بدون هیچ نوآوری در ذهن‌ها انباشته شود.

درباره این اثر و تبصره‌هایی که به تأیید، نقد و رد آن صورت گرفت، سخن فراوانی می‌توان گفت؛ اما ترجیح می‌دهم از حواشی موضوع بپرهیزم و نظرم را درباره آن از زاویه‌ای که برای من مهم معلوم می‌شود، بنویسم.

اهمیت موضوع:

چرا باید به مباحثی مانند درگیری امام بخاری با امام ابوحنیفه پرداخت و از کشمکش تاریخی و درازدامن پرده برداشت؟ این یکی از پرسش‌ها یا ایرادهایی بود که بر نوشته آقای انصاری گرفته شد. در واقع انتخاب این موضوع از بصیرت نویسنده و التفات وی به مشکلات و نابسامانی‌های فکری در منطقه ما و بلکه در کلیت جهان اسلام حکایت دارد. طرح این موضوع در افغانستان ازاین‌رو اهمیت دوچندان دارد که سطحی‌اندیشی و افراطیت دینی سبب مصیبت‌های بی‌شمار شده و یک ملت را از پا درآورده است. برای چاره‌جویی در این زمینه به هیچ صورت کافی نیست که چند شعار کلی و کلیشه‌ای را تکرار و افراط‌گرایی و قشری‌گری را محکوم کنیم، بلکه باید به ریشه‌های بسیار درون‌تر قضیه بپردازیم، زیرا بدون آن به هیچ روی از جنگ آفت کنونی و بحرانی که در پی آورده است رهایی نخواهیم یافت. جدال رأی و روایت به یکی از فصول بسیار پرشمار و پرگداز در تاریخ کهن اندیشه اسلامی اشاره دارد که سایه خود را بر کلیت تمدن اسلامی در طی بیش از یک هزار سال انداخته و یکی از عوامل عمده وضعیت امروز ما بوده است.

جدال رأی و روایت عنوان تقابلی است که میان دو روش تفکر از آغاز تاریخ اسلام وجود داشته است، حتا از زمان صحابه و تابعین، هرچند به صورت بسیار ابتدایی و بسط نیافته. در یک روش تفکر اولویت به نقل داده می‌شود، و استقلال معرفتی عقل مطرح

نیست و نقش آن به کشف معانی و مفاهیم نهفته در متن تقلیل می‌یابد، و صاحبان این روش تفکر به‌نام‌هایی مانند اهل حدیث، اهل اثر، اهل روایت، اهل سنت و مانند این‌ها خوانده می‌شوند. البته اهل سنت پس از قرن سوم مفهوم دیگری پیدا کرد و اکثریت مسلمانان از طیف‌های مختلف خود را در این دسته تعریف می‌کردند، اما در نخست این نام معادل اهل حدیث بود. روش دیگر به عقل استقلال معرفتی قایل، و معتقد است که می‌توان با تامل، تجربه، تجزیه، تحلیل و به آزمون گرفتن پدیده‌ها و ایده‌ها به نوعی از معرفت رسید، و نقش نقل در این مسیر نقش کمکی است تا عقل مسیر خود را گم نکند. صاحبان این روش تفکر به‌نام اهل رأی مشهورند. براساس این روش تفکر، رابطه عقل و نقل را می‌توان به کشتی و قطب‌نما تشبیه کرد. حرکت در دریا و پیمودن مسافت‌ها کار عقل است، اما نقل به‌مثابه قطب‌نما مسیر کلی حرکت را نشان می‌دهد بدون این که حرکت کشتی را قید کند و آزادی‌اش را در مسیری که می‌پیماید از آن بگیرد. به عبارت دیگر، اصل تکاپو برای کشف حقایق درباره انسان و جهان بر عهده عقل است، اما نقل یا وحی به آن کمک می‌کند که مسیر کلی این تکاپو را که ناظر بر پرسش‌های بنیادین وجودشناختی (Existential) است از یاد نبرد، و با گرفتار شدن در دام جزئیات از کلیت مسیر خود در هستی به غفلت در نیفتد. در این نگرش، عقل و نقل در تضاد قرار نمی‌گیرند، اما نقل به کمک عقل فهمیده و تاویل می‌شود، و آنچه خطا و صواب این تاویل را نشان می‌دهد، تکاپوی عقل در مسیر کشف حقایق در جهان است. این را به زبان آشناتر در میان دین‌داران می‌توان به این شکل بیان کرد که سنت‌های تشریحی موجود در متن دینی در پرتو سنت‌های تکوینی موجود در جهان هستی که به کمک عقل کشف می‌شود باید فهمیده شود، و هر جا ظاهر متن با این یافته‌ها در تضاد قرار گرفت باید آن را به سود یافته‌های علمی تاویل کرد. در روش اهل روایت همه تأکید بر نشان دادن نقصان عقل و قصور آن در کشف حقایق و تمرکز بر متن به‌عنوان منبع اساسی و کلان حقایق است، و عقل به نقش خادم نقل تقلیل می‌یابد و صلاحیت آن در کشف حقایق انکار می‌شود. این مفهوم را از موضع احمد بن حنبل می‌توان دریافت که وی حدیث ضعیف و قول صحابی را بر قیاس ترجیح می‌داد. قیاس در آن زمان گرایش به رأی بود که برای عقل‌گرایی در عرصه دین گفته می‌شد.

این البته اختصاصی به امام احمد نداشت بلکه همه پیشوایان آن مکتب همین رویکرد را داشتند. تقابل میان این دو روش بسیار پیش‌تر از امام ابوحنیفه و امام بخاری آغاز یافته بود. نخستین رگه‌های آن را می‌توان در زمان صحابه یافت، هنگامی که کسی مانند حضرت عمر عمل به ظاهر برخی از آیات قرآن را به حالت تعلیق درآورد، اما در مقابل آن، روایت‌گرایی نمادگرایانه و افراطی در کار فرزندش ابن عمر را داریم که در قضایای غیرتبعیدی نیز مانند انتخاب محل بول کردن، اصل را بر پیروی از سنت قرار می‌داد. در نسل‌های بعد از صحابه، در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی، تقابل این دو روش بسیار گسترده‌تر شد، زیرا تاثیرات مهمی بر زنده‌گی بسیاری از مردم داشت. حکومت‌ها در دوران اموی ترویج روش اهل روایت را به سود خود دانستند، و شماری از منتقدان‌شان روش اهل رأی را که تاویل متفاوت از متون دینی به دست می‌داد و می‌توانست دست حاکمان را در استفاده از دین برای سیاست ببندد. در این کشاکش، روش اهل حدیث ازاین‌رو بیش‌تر به سود حاکمان بود که ساختن حدیث و روایت کار سختی نبود و با چند نقل قول می‌شد دهان بسیاری را بست، در حالی که روش اهل رأی زمینه‌نظرپردازی عقلانی برای حکومت و عدالت و حقوق شهروندان و رابطه حکومت با مردم و مسایلی از این دست را فراهم می‌آورد. در اثر این تقابل، خلفا رفته‌رفته استراتژی حمایت از اهل حدیث را روی دست گرفتند و فشار بر اهل رأی را افزایش دادند، و به استثنای یک دوره محدود در زمان مامون و معتصم که به دلایل سیاسی اهل حدیث زیر فشار قرار گرفتند، در بیش‌تر ادوار اموی و عباسی اهل حدیث مورد حمایت دستگاه‌های سیاسی بودند و همین نیز به غلبه این جریان انجامید. در همان صد سال نخست، شماری از عقل‌گرایان مسلمان

به قتل رسیدند، مانند معبد جهنی (متوفای سال ۸۰ هجری) که یکی از تابعین بود و جبری بودن انسان و نفی اراده و اختیار او را نادرست می‌دانست و بر مسوولیت آدمی در قبال اعمالش تأکید داشت، و سرانجام به دست عبدالملک بن مروان، امپراتور اموی، به قتل رسید. همچنان غیلان دمشقی (متوفای ۱۰۶ هجری) که از نسل تبع تابعین بود و به‌رغم شهرتش به تقوا، دینداری، فصاحت، دانش ادبی و موعظه دینی، و رابطه‌ای که با عمر بن عبدالعزیز داشت، بعداً به دست هشام بن عبدالملک اعدام شد. به همین گونه، جعد بن درهم (متوفای ۱۰۵ هجری) که به بهانه انکار اسما و صفات الهی به دست والی امویان بر بصره در عراق در روز عید قربان سر بریده شد. همچنین است جهم بن صفوان (متوفای ۱۲۸ هجری) که به جرم دیدگاه‌های کلامی‌اش مانند این که کلام الهی از جمله صفات فعلی اوست نه صفات ذاتی‌اش، به فرمان والی امویان بر خراسان، نصر بن سيار، اعدام شد. البته عامل سیاسی در یکایک این قتل‌ها دخیل بود، اما بهانه توجیه‌کننده برای آن، دیدگاه‌های کلامی‌ای بود که ریشه در گرایش‌های عقلانی در زمینه‌های الهیاتی داشت. این نمونه‌ها به علت شهرت آن‌ها که پای خود خلفا یا والیان قدرتمندشان در آن‌ها دخیل بوده است در تاریخ به ثبت رسیده است، و ما نمی‌دانیم که چه شمار از مردم در اثر این خطرات با مشکلات روبه‌رو شده‌اند؛ اما از روی این نمونه‌ها می‌توان دانست که چگونه فضای رعب و هراس بر سایر کسانی که دیدگاه‌های متفاوت داشته‌اند، حاکم بوده و اظهار نظر در این زمینه‌ها تا کجا می‌توانسته است پرمخاطره باشد.

روایت‌گرایی از همان سال‌های نخست پس از وفات پیامبر اسلام آغاز یافت. بزرگان صحابه مانند چهار خلیفه نخست که به‌نام خلفای راشدین می‌شناسیم با این رویکرد مخالف بودند، و کسانی را که کمر به ترویج احادیث و روایات بسته بودند، مورد توبیخ قرار می‌دادند. دلایلش را در جای دیگری باید توضیح داد. با این‌هم، شماری از صحابه که در رتبه‌های پایین‌تر از نظر علم و جایگاه اجتماعی قرار داشتند پخش و نشر روایت‌ها را به حیث کار اصلی خود برگزیدند و تا آخر عمر به این کار پای فشردند. شماری از آنان به کثرت روایت مشهورند و به اصطلاح محدثین برای شان «المکثرین من الصحابه» گفته می‌شود. احمد شاکر از مسند بقی بن مخلد و دیگران نقل کرده است که ابوهیره با حدود ۵۳۷۴ حدیث، عبدالله بن عمر با ۲۶۳۰ حدیث، انس بن مالک با ۲۲۳۶ حدیث، حضرت عایشه با ۲۲۱۰ حدیث، عبدالله بن عباس با ۱۶۶۰ حدیث، جابر بن عبدالله انصاری با ۱۵۴۰ حدیث و ابوسعید خدری با ۱۱۷۰ حدیث، در صدر جدول قرار دارند.

رد پای سیاست در ترویج روایت:

این که همه احادیث از سوی این صحابه روایت شده است یا بعداً ساخته شده و به ایشان نسبت داده شده است نیازمند تحقیق است. اما یکی از عوامل عمده، چه در تکثیر روایت‌ها و چه در ایجاد نهاد روایت در تاریخ اسلام، عامل سیاسی بود و قراین کافی وجود دارد که دخالت دستگاه‌های سیاسی در این زمینه را نشان می‌دهد. مثلاً، ابوهیره که از افراد بسیار عادی جامعه صدر اسلام بود و برخلاف شماری از سران صحابه، او فاقد سواد خواندن و نوشتن بود، و تنها سه سال قبل از رحلت پیامبر اسلام به او پیوسته بود، احادیث فراوانی را به پیامبر اسلام نسبت داد که موجب خشم بزرگان صحابه مانند خلیفه دوم و خلیفه سوم و حضرت عایشه شد. اما در کشمکش‌هایی که بعد از قتل حضرت عثمان رخ داد و جنگ‌های خونینی که صحابه در میان خود داشتند، وی به یکی از چهره‌های اثرگذار تبدیل شد و به دستگاه قدرتمند اموی تقرب یافت. وی که به اعتراف خودش در دوران پیامبر توانایی سیر کردن شکم خود را نداشت، در دوره‌های بعدی دارای مال و مکتب فراوان شد، و یک بار به علت اتهام به اختلاس از اموال بیت‌المال از سوی حضرت عمر محاکمه و از حکومت بر کشور بحرین برکنار گردید.

دو میلیارد و ۱۹۳ میلیون دالر کجا شده است؟



امین کاوه

با سلطه طالبان، افغانستان در بحران عمیق بشری فرو رفته است. بساط فقر و گرسنگی گسترده تر شده و بیشتر سرمایه گذاران داخلی و خارجی کشور را ترک کرده اند. در پی خروج سرمایه، دهها هزار شهروند کشور شغلشان را از دست داده اند. خشکسالی های متواتر و لغو قوانین، بر تداوم این بحران افزوده است. سازمان ملل متحد وضعیت انسانی در افغانستان را بزرگترین بحران بشری توصیف کرده و بیشتر از دو میلیارد و ۱۹۳ میلیون دالر به کابل ارسال کرده است. به تازگی مسوول برنامه جهانی غذا گفته است که حدود بیش از ۵۰ درصد نفوس افغانستان شبها با شکم گرسنه می خوابند. این نهاد سوءتغذیه حاد در کشور را «بالتر از آستانه اضطراری» دانسته است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد همچنان گفته که فقر باعث شده مردم کودکان خود را به فروش برسانند و دست به گدایی بزنند. با این وصف، شهروندان کشور می پرسند که هفته ای ۴۰ میلیون دالری که وارد افغانستان می شود، در کجا به مصرف می رسد. آنان نسبت به دست برد طالبان به این کمکها نگرانند. سازمان ملل متحد می گوید که این پول به دسترس طالبان قرار نمی گیرد.



یک چهارم زنان باردار و شیرده در ۱۲ ماه آینده به حمایت حیاتی غذایی نیاز شدید دارند. این نهاد خاطرنشان ساخته که برای شش ماه آینده به ۱.۴۶ میلیارد دالر «نیاز فوری» دارد تا بتواند به کمک رسانی در افغانستان ادامه دهد.

در همین حال، دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) در گزارشی زیر نام «چشم انداز اقتصادی و اجتماعی ۲۰۲۳» گفته است: «تغییر رژیم سیاسی یک شبهه فاجعه بزرگ اقتصادی و اجتماعی به بار آورده است. به گفته این نهاد، افغانستان در میان دو یا سه فقیرترین کشورهای جهان قرار دارد که مردم آن مجبور می شوند دست به گدایی بزنند یا کودکان شان را به فروش برسانند.

در این گزارش آمده که پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، تعداد اندکی از مردم توان مقابله با شرایط نامساعد را داشته و اکثریت دچار بحران شده اند. در این گزارش آمده است: «به دور از سرخط خبرها، افغان های فقیر مجبور شده اند تا میزان مصارفشان به شمول مواد خوراکی را محدود بسازند، عمدتاً تقاضای قرضه نموده و همچنان دست به گدایی زده اند و به منظور بقای خود با هر گونه شرایط و اوضاع نامساعد دست و پنجه نرم کنند.»

در گزارش دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد همچنان آمده است: «بعضی از افراد منازل، جایداد و داشته های درآمدزای خود را فروخته و عده ای نیز اعضای خانواده خود را به فروش گذاشته، اطفال خود را به کارهای شاقه مجبور ساخته و دختران نابالغ شان را به عقد نکاح درآورده اند.» این نهاد دورنمای اقتصادی افغانستان را دشوار توصیف کرده است. به گفته دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد، اگر محدودیتها بر اشتغال زنان در موسسه های غیردولتی منجر به کاهش توجه کمک های بین المللی و تشدید فشار بر نرخ ارز و تورم بویژه مواد غذایی وارداتی شود، وضعیت دشوارتر خواهد شد. دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد تاکید کرده که

افغانستان با بحران مالی روبه رو است. به گفته این نهاد، قطع کمک های خارجی که ۷۰ درصد بودجه دولت پیشین را تشکیل می داد، اکنون باعث شده که منابع ملی و عامه کشور به صورت قابل ملاحظه منقبض شود.

کمک های بشردوستانه و نگرانی نسبت به دست برد طالبان

دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد نقش کمک های بشردوستانه را در افغانستان «کلیدی» توصیف می کند. این نهاد می گوید که اگر کمک های بشردوستانه جهان از سال ۲۰۲۱ میلادی تاکنون ادامه پیدا نمی کرد، اقتصاد «سریع تر و عمیق تر» به سمت سقوط می رفت و شرایط بشردوستانه بدتر می شد. این نهاد گفته است که براساس برآوردهای سازمان ملل متحد، کمک های بشردوستانه در سال ۲۰۲۲ میلادی به حدود ۶۰ درصد از همه خانوارها و حدود ۸۰ درصد از خانوارهایی که توسط زنان سرپرستی می شدند، به خوبی توزیع شده است. این نهاد سازمان ملل متحد تاکید کرده که دریافت کمک های بشردوستانه برای جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع در افغانستان، ضروری است. به باور این نهاد، هر گونه کاهش در کمک های بین المللی، چشم انداز اقتصادی افغانستان را بدتر خواهد کرد و فقر شدیدی برای چندین دهه تداوم خواهد داشت.

با این حال، شهروندان کشور از دست برد طالبان به کمک های بشردوستانه شکایت دارند. به گفته آنان، بیشتر این کمکها به مستحقان نمی رسد و به افراد وابسته به طالبان و جنگجویان این گروه توزیع می شود. عباس توکلی، یکی از باشندگان ولایت دایکندی، به روزنامه ۸ صبح می گوید که کمک های بشری در مناطقی توزیع می شود که در بین طالبان به قول او واسطه دارند. این باشندگان دایکندی می افزاید: «می شنویم که کمکها آمده، اما تا هنوز برای ما کسی کمک نکرده؛ چون ما کسی را نداریم یا طرفدار طالب نبوده ایم. بناءً کمکی هم به ما صورت نمی گیرد. در مناطقی که اربابها و کلانها با کلان های طالبان داد و گرفت دارند، می شنویم که کمک شده است.»

روزنامه ۸ صبح در یک گزارش تحقیقی دریافته است که در نتیجه دست برد طالبان به کمک های بشردوستانه، ۴۲ هزار خانواده نیازمند در ولایت غور از دسترسی به این کمکها محروم شده اند. سال گذشته میلادی مارتین گریفیتس، مسوول بخش کمک های بشری سازمان ملل متحد، در نشست شورای امنیت این سازمان گفته بود که طالبان در توزیع کمک های بشری مداخله می کنند. حدود یک ماه قبل، بازرس ویژه ایالات متحده امریکا (سیگار) نیز گفت که مداخله طالبان در روند توزیع کمک های بشردوستانه، توانایی سازمان های کمک کننده را

محدود ساخته است.

در همین حال شماری از مقام های حکومت پیشین و رهبران سیاسی، تداوم ارسال پول نقد به کابل را کمک به تداوم حاکمیت طالبان خوانده اند. محمدیونس قانونی، عضو شورای مقاومت برای نجات افغانستان، گفته است که بعضی از کشورها با ارسال بسته های نقدی به طالبان، بر شدت فاجعه در افغانستان افزوده اند. به تازگی امرالله صالح، معاون رییس جمهور پیشین کشور، نیز از ارسال پول های نقد به کابل انتقاد کرده است. او گفته که بر بنیاد توافق دوحه، طی دو روز ۸۰ میلیون دالر زیر نام کمک های بشری برای تحکیم حاکمیت طالبان به کابل فرستاده شده است. او تاکید کرده که ارسال این پولها «مبهم» و «توطیه آمیز» است و در توزیع آن شفافیت وجود ندارد.

در ۲۱ ماه گذشته چند میلیارد دالر به افغانستان آمده است؟

براساس گزارشها در نزدیک به دو سال گذشته بیش از دو میلیارد و ۱۹۳ میلیون دالر به افغانستان آمده است. بر بنیاد گفته های مسوولان سازمان ملل متحد، این پول نقش مهمی در ثبات نرخ و ارزش پول افغانی در برابر دالر داشته، اما در اختیار طالبان قرار نگرفته است. اعلامیه های بانک مرکزی تحت کنترل طالبان نیز تایید می کند که در نزدیک به ۲۱ ماه گذشته، ۳۱ بسته ۴۰ میلیون دالری و بیش از ۳۰ بسته ۳۲ میلیون دالری به کابل رسیده است. هرچند ارسال محموله های نقدی به کابل ادامه دارد، اما سازمان ملل متحد گفته که در سال جدید میلادی تنها تعهد پنج درصدی تقاضای کمک مالی برای کمک های بشردوستانه را دریافت کرده است. این در حالی است که آنتونیو گوتیرش، دبیر کل سازمان ملل متحد، پیش از این وضعیت افغانستان را بزرگترین بحران بشری در جهان توصیف کرده است. او پس از برگزاری نشست سازمان ملل متحد در دوحه با نمایندگان ویژه کشورها در مورد افغانستان گفته است که ۹۷ درصد مردم افغانستان نادرند و حدود ۲۸ میلیون شهروند این کشور در سال جاری نیاز به کمک فوری دارند. این سازمان بارها گفته است که شش میلیون تن دیگر در افغانستان در یک قدمی قحطی قرار دارند. آقای گوتیرش از کمبود کمک های بشری ابراز نگرانی کرده و گفته است: «سازمان ملل بیشتر از شش میلیارد دالر برای کمک به افغانستان درخواست کرده است، اما کمتر از هفت درصد، حدود ۳۰۰ میلیون دالر، به عنوان کمک دریافت کرده است.»

این در حالی است که منابع در ولایت های شمال کابل از قطع کمک های بشری خبر می دهند. منابع می گویند که نهادهای کمک کننده کارت های توزیع مواد کمکی را در برخی از نقاط ولایت های پنجشیر، پروان و کاپیسا جمع آوری کرده اند. این منابع ابراز نگرانی دارند که در صورت قطع شدن کمکها در مناطق جنگ زده چون پنجشیر، مردم با فاجعه انسانی روبه رو خواهند شد. مسوولان برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد (WFP) کاهش کمکها در افغانستان را تایید کرده، اما گفته است که کمک های بشردوستانه به مردم این کشور قطع نخواهد شد.

بازار سرد کتاب فروش هادرهات؛ کتاب فروشان در تلاش شغل های دیگرند

۸ صبح، هرات



مجبورند کتابها را با نصف قیمت لیلام کنند و دنبال شغل دیگری بروند.

عزیز احمد (نام مستعار) یکی از کتاب فروشان در هرات است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید که در سال های گذشته از همین رهگذر امرار معاش می کرد، اما در یک سال گذشته فروش چندانی نداشته و کرایه دکان و پول برق نیز بالایش تاوان شده است. عزیز احمد می افزاید: «پس از این که طالبان آمدند مدتی کار ما خوب بود، اما از یک سال به این طرف خدا شاهد است که کرایه ماه ۸ هزار و ۵۰۰ افغانی و پول برق هر دو ماه که دو هزار یا کم تر می آید را از کیسه خود تاوان می دهیم.» این کتاب فروش توضیح می دهد: «مردم به کتاب خریدن نمی آیند. تنها کتاب های انگلیسی آن هم دختران و پسرانی که کورس می روند خرید می کنند و دیگر کتابها مانده در دکان. سال های

ک یا ۷ لک افغانی بفروشم و شغل خود را تغییر بدهم. هنوز خریدار پیدا نشده است؛ چون غیر از تاوان این کسب از این به بعد فایده ندارد.»

کتاب فروشان زیادی کتابها را روی جاده ها در بدل بهای اندک به لیلام گذاشته اند. شریف احمد (نام مستعار) کتاب فروش دیگری در هرات است. او کتابهایش را در قسمت پیاده رو جاده در کنار ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات به لیلام گذاشته است. شریف احمد می گوید: «به چوک گلها دکان کتابفروشی ما است. پانزده سال است کتابفروشی داریم، زیادتر از یک سال می شود کسی به خرید کتاب به دکان بالا نمی شود. من هم کتابها را آوردم در کنار ریاست اطلاعات و فرهنگ به لیلام گذاشتم.»

ادامه در صفحه ۴

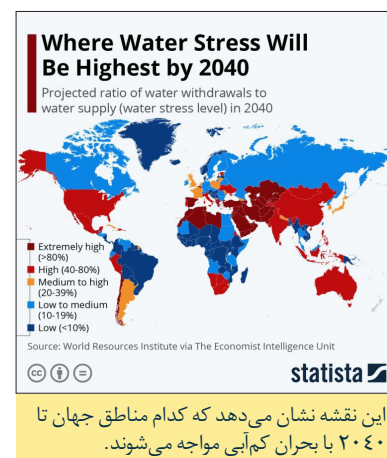
امنیت شدن مساله آب میان

افغانستان و ایران

علی سجاد مولایی



آب ماده اصلی حیات و غیرقابل جاگزین است. پیشرفت سریع بشر از قرن ۲۰ به این سو باعث افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش تقاضا برای آب و غذا شده است، و از سوی دیگر تغییرات اقلیمی بخش‌هایی از جهان را با بحران کم‌آبی بی‌سابقه مواجه کرده است. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ به دلیل رشد سرسام‌آور جمعیت و توسعه اقتصادی، تقاضا برای آب سه برابر شده است. سازمان ملل برای تشویق جهان به مبارزه با تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری موثر از آب، ۲۲ مارچ را روز جهانی آب نام‌گذاری کرده است. سازمان ملل در ۲۲ مارچ سال جاری اعلان کرد که بیش از دو میلیارد تن به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و چندین منطقه از جهان از جمله شمال آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوبی و مرکزی با بحران شدید آب روبه‌رو اند.



براساس آماری که انستیتوت منابع جهان ارائه کرده است، افغانستان و مناطق پیرامون آن تا سال ۲۰۴۰ با بحران شدید آب مواجه خواهند شد. رشد سریع نفوس، استفاده بی‌رویه از آب، خشکسالی، تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی از دلایل اصلی بحران کم‌آبی در افغانستان و کشورهای همسایه آن است. از سوی دیگر، منابع آبی در سطح زمین به‌صورت یکسان توزیع نشده است. به‌گونه‌ای که بسیاری از مناطق مانند اروپا و امریکای شمالی با مشکل جدی آب روبه‌رو نیستند و برعکس کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی و آفریقای با چالش کمبود و نبود آب سالم دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به همین دلیل، نزاع بر سر آب در این کشورها در حال تقویت است و دولت‌ها مساله آب را در صدر برنامه‌های خود قرار داده‌اند. افزایش تقاضا برای آب کشورها را وارد مناقشه با یکدیگر کرده است. رودخانه‌ها یکی از منابع اصلی تامین آب هستند و اکثراً این رودخانه‌ها در میان دو کشور واقع شده و یا هم در چندین کشور جریان دارند. همین مساله سبب شده است که گاهی کشورها برای تصاحب و توزیع آب با هم وارد منازعه شوند.

با کم‌تر شدن آب‌های زیرزمینی و آلوده‌گی شدید آب‌های جاری، مساله آب به یکی از اجندهای اصلی دولت‌ها در صحنه سیاست بین‌الملل مبدل شده است. اهمیت پیدا کردن مساله آب در روابط کشورها امکان درگیری میان کشورهای همسایه را بالا برده است. در حال حاضر در نقاط مختلف جهان مناقشه آبی میان دو همسایه وجود دارد. علت اصلی این مناقشه‌ها استفاده بیش از حد آب در کشور اولی یا همان کشور بالادست است. استفاده بیش از حد آب در کشور بالادست سبب کمبود آب در کشور پایین‌دست یا سفلا می‌شود. گاهی هم آلوده‌گی آب در کشور علیا سبب می‌گردد که کشور سفلا از آب جاری شده نتواند درست استفاده کند. در بعضی مواقع مسایلی چون ماهی‌گیری، کشتی‌رانی و انحراف رود نیز باعث مناقشه میان دو کشور می‌شود.

امنیتی شدن/سازي مساله آب

تغییر در محیط بین‌الملل بعد از پایان جنگ سرد و ظهور بازیگران غیرسنستی در امنیت بین‌الملل، تعریف سنتی از امنیت نظامی و کشورمحور را به چالش کشید و سبب شد تا پژوهشگران به سمت ارایه تعریف جدیدتر و به‌روزتر از امنیت بروند. در این میان بری بوزان از نخستین کسانی بود که تعریف موسع از امنیت را ارایه داد و در کنار امنیت نظامی، موضوعاتی چون امنیت فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را وارد اجندای امنیت بین‌الملل کرد^۱. با این حساب، آب به‌عنوان زیرمجموعه امنیت زیست‌محیطی وارد مباحث امنیتی شده است. از منظر مکتب امنیتی کینهاگ، امنیت یک امر ارزشی و عینی نیست بلکه برساخته و گفتمانی است. به این معنا که بازیگران مختلف با استفاده از زبان می‌توانند یک موضوع غیرامنیتی مانند آب را امنیتی بسازند. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که بازیگران از ناحیه یک موضوع احساس تهدید کنند^۲.

قلت آب در مناطق شرقی ایران به‌ویژه سیستان و بلوچستان سبب شده که مساله آب رودخانه هیرمند میان افغانستان و ایران مبدل به موضوع امنیتی شود. به عبارت دیگر، مساله آب امنیتی‌سازی شده و برای هر دو طرف اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

مناقشه آبی میان افغانستان و ایران

افغانستان با همسایه‌گان شمالی خود نزاع جدی مرزی ندارد؛ اما با همسایه جنوبی (پاکستان) منازعه مرزی و ارضی و با همسایه غربی (ایران) مناقشه آبی دارد. هرچند روابط سیاسی افغانستان و ایران همواره عادی و خوب بوده، اما با امنیتی‌شدن مساله آب روابط دو کشور دست‌خوش تنش شده است. منازعه آبی افغانستان و ایران ریشه قدیمی دارد و به زمانی برمی‌گردد که مرزهای افغانستان در زمان حکومت امیر عبدالرحمان خان در حال تعیین‌شدن بود. در آن زمان که مرز میان افغانستان تعیین می‌شد، مساله آب رود هلمند میان دو کشور مورد مناقشه قرار گرفت و تا امروز ادامه دارد. بعد از آن نیز دولت‌های جدید افغانستان و ایران چندین بار در سال‌های مختلف با هم روی تقسیم و توزیع آب رود هیرمند مذاکره و گفت‌وگو کردند. تا این که دو طرف در سال ۱۳۵۱ توافقنامه تقسیم آب را با حضور امیر عباس هویدا و محمدموسا شفیق، نخست‌وزیران اسبق هر دو کشور، امضا کردند. این قرارداد سهم ایران از رود هیرمند را در هر ثانیه ۲۶ مترمکعب و در یک سال ۸۵۰ میلیون مترمکعب تعیین کرد^۳. مبنای تعیین این مقدار حقایق براساس نظر کارشناسی کمیسیون دلتا در سال ۱۳۲۷ در اختلاف ایران و افغانستان و با حکمیت

ایالات متحده امریکا بود. کمیسیون دلتا متشکل از سه کارشناس فنی از کشورهای امریکا، شیلی و کانادا با مدیریت ایالات متحده بود. این کمیسیون براساس برآورد حجم آب در افغانستان و نیاز آبی دو کشور، سهم ایران را مشخص کرد.

اما حالا بنابر تغییر وضعیت اقلیمی و خشکسالی شدید در دو طرف مرز، مساله آب میان افغانستان و ایران دوباره حاد شده است و ایرانی‌ها تلاش دارند قرارداد آبی جدیدی با افغانستان امضا کنند. در سال‌های گذشته چند بار هیات‌هایی از جانب افغانستان و ایران با هم روی مساله آب گفت‌وگو کردند که بی‌ثمر بوده است. سیستان و بلوچستان ایران با کمبود شدید آب آشامیدنی و آب مصرفی برای کشت و زرع مواجه است. این موضوع سبب شده است که ساکنان این منطقه چند بار دست به اعتراض بزنند و از دولت ایران خواستار تامین آب شوند. کم‌آبی در سیستان و بلوچستان باعث فقر شدید و کوچ دسته‌جمعی افراد از این منطقه شده است. فداحسین مالکی، نماینده زاهدان، گفته است: «ذخایر آبی سیستان و بلوچستان تا دو ماه آینده تمام می‌شود و جمعیت حدود دو میلیونی منطقه با بحران امنیتی آب مواجه است. در مساله حقایق باید در سطح حاکمیتی از طالبان مطالبه شود چون به نظر می‌رسد طالبان قصدی برای دادن حقوق آبی ایران ندارد^۴». پیش از مالکی، مصطفی محامی، نماینده ویژه آیت‌الله خامنه‌ای برای سیستان و بلوچستان نیز گفته بود که طالبان دست‌نشانده امریکایی‌ها هستند و حکومت ایران برای تامین آب باید دست به هر اقدامی بزند و از تمام اهرم‌های فشار استفاده کند^۵.

تنش در روابط ایران و طالبان؟

سوالی که در حال حاضر ذهن اکثریت ناظران مسایل افغانستان و ایران را درگیر کرده این است که اگر طالبان با ایران در مورد آب رود هیرمند کنار نیایند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ وزارت خارجه ایران گفته است که مساله آب در راس کارهای این وزارت در سال ۱۴۰۲ است و این وزارت تلاش خواهد کرد با طالبان در مورد حقایق رود هیرمند گفت‌وگو کند. چندی پیش هیاتی نیز از ایران برای گفت‌وگو با طالبان وارد افغانستان شد، اما از سرنوشت مذاکرات خبر زیادی در دست نیست. طالبان در پاسخ به درخواست ایران برای آب بیشتر گفته‌اند که کمبود آب در این طرف مرز ناشی از بارنده‌گی کم است و این طرف نیز با کمبود آب مواجه است. ایران در صورتی که طالبان حاضر نشوند قرارداد جدید امضا کنند چه اهرم فشاری در دست دارد؟ ایران تا کنون

روابط دوستانه‌ای با طالبان داشته است و سفارت افغانستان در تهران را نیز در اختیار طالبان قرار داده است. اما اگر روابط دو کشور پرتنش شود، یکی از گزینه‌های ایران تهدید به اخراج دیپلماتان طالبان از ایران خواهد بود. مساله مهاجران از سال‌های دور به این سو از ابزار فشار دیگر ایران بوده است. در نهایت، سومین اهرم فشار حمایت از جبهه مخالف طالبان خواهد بود. ایران چون نیاز شدیدی به آب دارد و مساله امنیتی شده است، شاید به سمتی برود که از این اهرم‌ها استفاده کند. روابط طالبان با همسایه‌های افغانستان پرفرازونشیب بوده و حالا اگر مساله آب جدی شود، رابطه طالبان و ایران پرتنش خواهد شد. البته ذکر این نکته در آخر ضروری است که ایران و سایر کشورهای همسایه افغانستان از نزدیکی طالبان با ایالات متحده امریکا به‌شدت نگران هستند و هراس دارند که نفوذشان را روی این گروه از دست دهند.

از صفحه ۳

بازارسرد کتاب...

این کتاب‌فروش علاوه می‌کند: «کتاب‌ها را به کمتر از نصف قیمت می‌فروشیم، به‌خاطری که برود زودتر خلاص شود. مثلاً، قیمت این کتاب به ۴۰۰ افغانی است، حالا به ۱۵۰ افغانی به لیلان گذاشتیم و می‌فروشیم، اگر کسی بخرد. این کتاب دیگر قیمتش ۵۰۰ افغانی است، حالا ما آن را به ۲۰۰ افغانی لیلان کردیم، بازهم کسی نمی‌خرد.»

کتاب‌فروشان در شهر هرات خاطر نشان می‌سازند که در سال‌های گذشته از طریق فروش کتاب و جزوه‌های درسی عاید خوبی به دست می‌آوردند؛ اما اکنون وضعیت چنین نیست. به گفته آنان، پنجاه درصد از مشتریان آنان دختران بودند که اکنون خانه‌نشین شده‌اند و پسران نیز علاقه چندانی به درس و مطالعه ندارند. آن‌چنانی که این کتاب‌فروشان توضیح می‌دهند، کتاب‌های زبان انگلیسی، علوم دینی و رمان‌های عاشقانه فروش خوبی دارد و بقیه کتاب‌های درسی به‌ویژه ساینسی و فلسفی بازارش را به کلی از دست داده است.

محمد حارث (نام مستعار) یکی از استادان دانشگاه در هرات به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «تسلط طالبان ورق سیاهی را به‌عنوان آینده برای شهروندان افغانستان به‌ویژه کسانی که در نهادهای آکادمیک مصروف تحصیل بودند، رقم زد. طالبان مدرسه را معرفی کردند و بودجه را به این نهادها اختصاص دادند. طالبان با دانشگاه سازگاری ندارند و این نهادها را به‌عنوان دست‌نشانده غرب معرفی می‌کنند.»

این استاد دانشگاه می‌افزاید: «سیاست‌های جهل‌گونه طالبان حقیقت‌هایی است که در جامعه امروزی اتفاق می‌افتد. جلو تعلیم و تحصیل دختر گرفته شد، دفاتر دولتی پر از جنگ‌جویان طالب است که وظایف افراد متخصص را تصاحب کرده‌اند و پس از ممنوعیت دختران از تحصیل، جوانان هم به این نتیجه رسیدند که امیدواری به آینده و کار نیست و همین‌گونه امروز شاهد افت بازار فروش کتاب در جامعه هستیم و این خیلی تلخ و دردناک است وقتی می‌شنویم که کتاب‌فروشی کتاب‌هایش را به لیلان گذاشته است.»

بسته شدن مکاتب متوسطه، لیسه‌ها و دانشگاه‌ها به‌روزی دختران، فقر اقتصادی، گزینش مدرسه‌های دینی به‌جای مکتب و دانشگاه و ناامیدی جوانان نسبت به آینده سبب شده است تا علاقه‌مندی به کتاب کاهش یابد. بیشتر جوانان تحصیل‌کرده به این باورند که افغانستان جای مطالعه نیست. به باور آنان، تأمین نفقه نسبت به مطالعه اولویت دارد. از همین‌رو، آنان به‌جای درس و مطالعه، راه‌های رسیدن به امریکا و اروپا را در ذهن خود پرورش می‌دهند تا زنده‌گی بهتری داشته باشند.

1- Buzan, Barry. (1983). People, states and fear: the national security problem in international relations. Brighton: Wheatsheaf Books
2- Buzan, Barry. & Waever, Ole. & Wilde, Jaap de. (1998). Security: a new framework for analysis. Boulder, Colo: Lynne Rienner Pub

۳- حافظ نیا، محمدرضا، مجتهدزاده، پیروز، و علی‌زاده، جعفر. (۱۳۸۵). هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان. مدرس علوم انسانی، ۱۰ (پیاپی ۴۵) ویژه‌نامه جغرافیا، ۳۱-۵۸.

4- <https://www.iranintl.com/202305149849>
5- <https://www.iranintl.com/202301291087>



زن بودن در هیچ نقطه دنیا آسان نیست، به خصوص در کشورهای شرق میانه. یک زن باید از هر نگاه قوی باشد تا بتواند در برابر نابرابری‌ها ایستاده‌گی کند.

زن همسایه و روزگار

رنج‌نامه‌های زنان افغانستان

فرحت رحمان

زن بودن در هیچ نقطه دنیا آسان نیست، به خصوص در کشورهای شرق میانه. یک زن باید از هر نگاه قوی باشد تا بتواند در برابر نابرابری‌ها ایستاده‌گی کند. نویسنده بودن من با مهاجرت و بی‌وطن بودن من ترکیب شده، اما در تلخ‌ترین روزها یعنی بعد از آگست ۲۰۲۱ اثر «روزگار و زن همسایه» را چاپ و نشر کردم، از همین رو داستان‌نویس حالات تلخ بوده می‌توانم. روایت‌ها و داستان‌های زنان چه از درون جغرافیای افغانستان که در سکوت محض به سر می‌برند و چه زنانی که در خارج از کشور رنج مهاجرت و غربت و دوری از خانواده را تحمل می‌کنند، من هر دو نوع تجربه را دارم و برای هر تجربه روایتی برای گفتن. اخیراً دو داستان را در ایالت واشنگتن استیت آمریکا چاپ و رونمایی کردم که هر دو دشواری‌ها، استقامت و توانایی زنان در برابر بی‌عدالتی را نشان می‌دهد. هدف نویسنده این است که با ارایه تصویر مختصر از داستان‌ها، ضرورت بازخوانی رنج و روایت مردم را تبیین کرده و از نویسندگان و منتقدان، درخواست اهتمام در این مورد کند. گرچند داستان من هم مانند هر

اثر انسانی دیگر کاستی‌های خود را دارد و صمیمانه منتظر نقدهای خواننده‌گان هستم، اما می‌توانم بگویم که تمام تلاشم در این داستان آن بوده که روایتی زنانه از حوادث روزانه افغانستان در سال‌های اخیر ارایه کنم. در ادامه این گزارش قصد دارم دشواری‌های زنان در نخستین روزهای سقوط کابل در سال ۲۰۲۱ و کتاب زن همسایه را به صورت خلاصه به معرفی بگیرم.

چرا داستان؟

هر زنده‌گی یک داستان است و نویسنده با نوشتن داستان، قصه‌های زنده‌گی انسان‌ها را به تصویر می‌کشد و خواننده با خواندن آن یک زنده‌گی جدید را تجربه می‌کند و دردها و رنج‌های دیگران را بهتر درک می‌نمایند. یعنی وقتی داستان می‌خوانیم، در حقیقت یک دنیای دیگر را تجربه می‌کنیم. مثلاً وقتی داستان عاشقانه می‌خوانیم، زنده‌گی عاشقانه یک فرد دیگر را تجربه می‌کنیم. بالایی‌ها و پایینی‌های زنده‌گی‌اش را تجربه می‌کنیم. گاهی در لایه‌لای داستان چنان غرق می‌شویم که شادی شخصیت داستان، شادی ما می‌شود و غم شخصیت، غم ما. در

مواردی حس هم‌ذات‌پنداری به قدری زیاد می‌شود که به کلی فراموش می‌کنیم آن چه می‌خوانیم یک داستان است و برآمده از تصورات و خلاقیت‌های نویسنده. این تجربه‌ها و احساسات هم‌ذات‌پنداری، باعث آن می‌شود که خواننده درک بهتری از احساسات خود و اطرافیان خود داشته باشد. درک بهتری از رنج و شادی آدمی داشته باشد و حتا بعد از آن در ارتباطات خود به‌شکل موفق‌تر و بهتری عمل کند.

چرا زن همسایه؟

این داستان روایت رنج یک زن است که البته از پایان روابط زناشویی شروع می‌شود. مردی که رفتن به خارج و خوش‌گذرانی را نسبت به خانواده‌اش ترجیح می‌دهد، آغازگر رنج زن تنها و سرپرست یگانه فرزندش است. قسمی که در بالا ذکر کردم، هر زنده‌گی یک داستان است؛ گاهی پر از خشم و خروش و هیاهو و گاهی ساکت بی‌سروصدا. در سال ۲۰۲۰ مشغول نوشتن اثر «روزگار» بودم و درباره مشکلات زنان در افغانستان فکر می‌کردم. بعداً ذهنم مشغول مشکلات زنان در بیرون از افغانستان شد. وقتی به داستان‌های زنان در خارج از کشور توجه کردم، متوجه شدم که زنان نه‌تنها در داخل کشور مورد خشونت جنسیتی، فزیک و خانواده‌گی قرار می‌گیرند، بلکه در بیرون از کشور که حرف از آزادی فردی زده می‌شود، هم مصون نیستند. به این باور شدم که متأسفانه هنوز هم انسان‌هایی هستند که تغییر لباس و موقعیت داده، اما ذهن و مفکوره خود را تغییر نداده‌اند.

در داستان «زن همسایه» شما می‌خوانید که شریک زنده‌گی او به خاطر رفتن به خارج و خوش‌گذرانی، چه جفایی را بر خود و دیگران انجام می‌دهد و بالاخره سرنوشت دو زنده‌گی به کجا می‌رسد. در ضمن مشکلات زنی که کودکش را به تنهایی سرپرستی می‌کند و روزهای سخت و دشوار را با مشکلات خانواده‌گی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به پایان می‌رساند تا یک انسان سالم به جامعه تقدیم کند و این که روزگار با او چه می‌کند را در کتاب زن همسایه مشاهده کنید.

در اواسط سال ۲۰۲۱ من مشغول نوشتن بودم که حادثه ۱۵ آگست ۲۰۲۱ رخ داد و زنده‌گی اکثریت مردم در داخل و خارج از افغانستان تغییر کرد. حوادث بالای روح و روان من هم اثر گذاشت و سبب شد که داستان «زن همسایه» را بنویسم تا علاوه بر چالش‌های زنده‌گی یک زن تنها، دشواری‌های زنان در نخستین

روزهای سقوط کابل را هم شامل بسازم.

زنان در نخستین روزهای سقوط چه کشیدند؟

بخشی از این داستان دشواری‌های نخستین روزهای سقوط کابل و تصویری از زندان طالبان است. سقوط کابل پس از خروج بخش بزرگی از نیروهای ناتو و یورش سنگین طالبان از حومه‌های این شهر و خاموشی و قطع برق آغاز شد. آن عده نظامیان ناتو که هنوز در کابل حضور داشتند، بلافاصله عملیات تخلیه از افغانستان را شروع کردند. تنها مسیر برای خروج میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی بود که هنوز به دست طالبان نیفتاده بود.

شهر کابل که یک روز قبل از سقوط وقتی در آن قدم می‌زدید، ممکن نبود که دو یا سه زن را در هر چندقدمی نبینید، اما بعد از تصرف توسط گروه طالبان، به گورستان زنده‌ها مبدل شد. محدودیت‌های زیادی بر زنان و دختران وضع شد. طالبان نیمی از جمعیت افغانستان را در خانه‌های‌شان زندانی کردند. این ممنوعیت‌ها از رفتن به مکتب ثانوی تا محدودیت در گشت‌وگذار را شامل می‌شد. این همه سبب افزایش خشونت‌های خانواده‌گی شد و دختران به جای رفتن به مکتب و دانشگاه و برنامه‌ریزی‌های برای آینده، با سرنوشت ویرانگر ازدواج اجباری مواجه شده‌اند.

طالبان از زمان تسلط زنان زیادی را از خانه و خیابان‌ها به جرم اعتراض خیابانی زندانی و شکنجه کرده‌اند. شماری از زنان بعد از رهایی از زندان‌های این گروه، در اثر تجربه وحشتناک زندان، نحوه گرفتاری، شکنجه فزیک و روانی، توهین و تحقیر در حالت بد روحی و روانی قرار دارند.

این گروه زنان را پس از شکنجه روحی و فزیک، در بدل گرفتن ضمانت و ضبط ویدیوی اعتراف اجباری، آزاد کردند و با این کار خود تمامی کرامت انسانی را زیر پا کردند؛ در حالی که این حق و خواست انسانی است تا مکتب بروی، کار کند و آزادی بیان داشته باشد. ممانعت از دسترسی به این حقوق، ظلم و نادیده گرفتن یک قشر در جامعه است.

در آخر داستان «زن همسایه» شما نگاه‌های کودکی را می‌بینید که شاهد قتل مادرش توسط پدرش است. در آینده قصد دارم ادامه داستان پسری را که مادرش او را به تنهایی و با هزاران مشکل بزرگ کرد، اما ثمره زحماتش را نچشید را بنویسم. ترجمه انگلیسی اثر «زن همسایه و روزگار» به زودترین فرصت چاپ و نشر می‌شود.

«درسنگر برایم شعر می‌خواند»؛

روایت مادری که سه دهه جنگ پسرانش را از او گرفت

ف. س

کنار پنجره اتاق غمگینانه نشسته و توان ایستادن برای احوال‌پرسی را ندارد. عرق چینی به سر دارد و با دستانش تسبیحی که هزار دانه دارد را چرخ می‌دهد. زیبایی‌اش را چین‌های غمگین صورتش پوشانده است. همان طوری که در فکر است، لبخند ملیحی کنج لبانش می‌نشیند. به حال خودش می‌گذارمش و بدون مزاحمتی پیش رویش می‌نشینم. از زبان نواسه‌هایش من هم برایش «بویوجان» می‌گویم. بویوجان، زنی است که سه فرزندش را از دست داده است. از او می‌خواهم از دوران‌های سابق قصه کند؛ وقت‌هایی که پسرانش با سنگر و جنگ آشنا نشده بودند. بویوجان آه عمیقی می‌کشد و با غرور بسیار که از لحن حرف زدنش پیداست، آهسته می‌گوید: «بچه‌هایم در راهی که من نشان داده بودم، رفتند و شهید شدند. هدیه خدا بودند. در راه خدا و وطن جان‌شان را دادند.»

تسبیحش را می‌چرخاند و زیر لب ذکر می‌گوید. غم جان‌سوزی در سینه‌اش می‌جوشد، ولی صدایش نمی‌لرزد: «گریه می‌کنم. همین طوری که اشک‌هایم می‌ریزند، در دلم می‌گویم کاش فقط یکی‌شان زنده می‌بود و به‌جای‌شان من می‌مردم.» بویوجان چهار پسر داشت. یکی‌شان در کودکی به علت بیماری فوت کرد. ولی دو پسر جوانش را جنگ از او گرفته است. با ناراحتی می‌افزاید: «جنگ در این وطن سه پسر را از من گرفت.» پسر اولش احمدمیر، در هشت‌ساله‌گی مریض می‌شود. با داروی خانه‌گی صحت‌یاب نمی‌شود و می‌خواهند به داکتر شهر ببرند. اما به علت این که جنگ بود، نتوانستند احمدمیر را به داکتر ببرند و



سرنجام احمدمیر از شدت مریضی می‌میرد. در زمان جنگ با نیروهای قشون سرخ بیشتر خانواده‌ها برای این که وطن را از اشغال شوروی آزاد کنند، پسران خود را به جبهه می‌فرستادند. بویوجان نیز یکی از هزاران مادری است که پسر نوجوانش را به جبهه فرستاد تا برای آزاد ساختن وطن مبارزه کند. بویوجان درست هنگامی پسرش را روانه جبهه می‌کند که مدت زیادی از مرگ احمدمیر نگذشته است: «دلم درد داشت. این جنگ سبب شده بود پسر من را از دست بدهم. به بچه‌ام که تازه پشت لب سیاه کرده بود و خودش هم شوق رفتن به جبهه را داشت، گفتم من تو را به همین روز بزرگ کرده‌ام. آماده شو، در راه خدا و خاکت بجنگ.» او با فداکاری زیاد به خود دل و جرئت این را می‌دهد که پسرش را به جنگ بفرستد.

بویوجان از آن روزهای دشوار یاد می‌کند. گلپوش پر از بغض شده و لحظه‌ای مکث می‌کند. او پسرش را با داستان خود به جنگ فرستاده بود. دو ماه پس از رفتن پسرش به جبهه خبری از او نمی‌رسد. بویوجان دلش واقعاً، بویوجان با برادرش به پاکستان مهاجر می‌شود. او در یک سال دو پسرش را از دست می‌دهد. بعد از آن

بعد از چندین سال زنده‌گی در غربت، در دهه هشتاد با دو پسر جوانش به افغانستان برمی‌گردد. دو پسری که زمین و آسمان علائق‌شان با هم فرق دارد. یکی علاقه‌مند به نظامی‌گری و رزم است و دیگری عاشق شعر و ادبیات. بویوجان وقتی قصه می‌کند، انگار در همان زمان‌ها است. لبخندی کنج لبانش می‌نشیند و با تبسمی که به صورتش تازه‌گی بخشیده است، ادامه می‌دهد: «یک پسر رفت درس نظامی بخواند. دیگرش شب و روزش را در خواندن شعر و کتاب گم می‌کرد.» وقتی پسر بزرگ‌تر درس نظامی را تمام می‌کند، با دختری که بویوجان برایش انتخاب کرده بود، ازدواج می‌کند.

نگاهی به بیرون حویلی می‌اندازد و می‌گوید: «ببین! این نواسه‌ها یادگار پسر هستند. هر وقت طرف‌شان می‌بینم، پسرم یادم می‌آید.» پسر بویوجان بعد از اتمام درس نظامی در ولایت‌های مختلف اجرای وظیفه می‌کند و می‌جنگد. رتبه می‌گیرد و به مقام‌های بالا می‌رسد. بویوجان در مورد پسرش توضیح می‌دهد: «بسیار باتقوا و مهربان بود. یگان بار که می‌فهمیدم که به جنگ می‌رود یا جنگ شروع می‌شود باز هم به من نمی‌گفت که در نزدیک میدان جنگ است. عوضش یک حرفی می‌زد که من بخندم.» او از پسرش یاد می‌کند و اشک از گوشه چشمانش می‌چکد. وقتی او در میدان جنگ می‌رزمید، بویوجان با آن که دلش نمی‌خواست پسرش در یک قدمی مرگ باشد، اما باز هم صبر می‌کرد و به این خوش بود که پسرش «خدمت می‌کند، اولاد همین وطن است و به‌خاطر همین وطن می‌جنگد.»

آیا روسیه با طالبان درخواست افتاد؟

شجاع‌الدین امینی



چندی قبل در نشستی که با حضور وزیران دفاع کشورهای عضو سازمان شانگهای در دهلی نو برگزار شده بود، سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه، بیان داشت که «گروه‌های افراطی مستقر در افغانستان فعالیت‌های خود را در جمهوری‌های همسایه افزایش داده‌اند.»^۱ شاید این اولین بار باشد که یک مقام بلندرتبه روسی نگرانی این کشور را مبنی بر فعالیت گروه‌های تروریستی در افغانستان آن هم در یک نشست منطقه‌ای با لحن صریح اعلام می‌کند. این اظهارات خشم طالبان را برافروخت و ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه، با نشر بیامی در رد این اظهارات گفت: «کشورهای منطقه اجازه ندهند تا تخریب‌کاران وارد خاک افغانستان شوند.»^۲ اظهارات مقام روسی تند بود، ولی واکنش طالبان تندتر از آن. مقام روسی به نحوی طالبان را متهم کرد که در برابر گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان سکوت اختیار کرده‌اند و سخنگوی طالبان، کشورهای منطقه را متهم کرد که جلو ورود شهروندان‌شان به افغانستان را نمی‌گیرند. از اظهارات مقام روسی می‌توان این‌گونه استنباط کرد که روسیه دارد وضعیت حاکم بر افغانستان را فعلاً رصده می‌کند و حضور گروه‌های تروریستی در مرزهای جمهوری‌های آسیای میانه برای این کشور قابل تحمل نیست.

اما در نشست شورای وزیران کشورهای عضو سازمان شانگهای که به تاریخ ۱۶ ثور ۱۴۰۲ در دهلی نو برگزار شده بود، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در پیوند به موجودیت گروه‌های تروریستی در افغانستان گفت: «امریکا از گروه‌های تروریستی باقی‌مانده در خاک افغانستان بر ضد طالبان حمایت می‌کند.»^۳ اظهارات این مقام روسی خلاف آن مقام روسی تا جایی نرم و نوازش‌کننده و موافق طبع طالبان بود. میان اظهارات وزیر دفاع و وزیر خارجه روسیه نه‌تنها پیوندی دیده نمی‌شود، بلکه تناقض هم هست. وزیر دفاع، طالبان را به اهمال و غفلت در برابر گروه‌های تروریستی مستقر در افغانستان متهم کرد، ولی وزیر خارجه، طالبان را به نحوی براءت داد و به جای این گروه، امریکا را مسوول قلمداد کرد. از گفته وزیر خارجه روسیه این‌گونه می‌شود استنباط کرد که درست است که گروه‌های تروریستی در افغانستان فعالیت دارند و تهدیدی برای امنیت روسیه به شمار می‌آیند، ولی این گروه‌ها از سوی قدرت بزرگی چون امریکا در برابر طالبان حمایت می‌شوند. به نظر می‌رسد که وزیر خارجه روسیه با این اظهارات خود در پی سه هدف باشد: ۱- اظهارات تند وزیر دفاع به نشانی طالبان را که واکنش‌برانگیز شد، به نحوی خواسته است تطلیف کند؛ ۲- طالبان را تنها مقصر قلمداد نکند تا رابطه میان این گروه و روسیه به تیره‌گی

افغانستان، روسیه را با محیط پیرامونی‌اش درگیر سازد. قوی‌ترین نمونه آن می‌تواند جنگ اوکراین باشد که روسیه در تله آن افتاده است. همچنان فعالیت گروه‌های تروریستی در همسایه‌گی جمهوری‌های آسیای میانه، نمونه دیگری از درگیری روسیه در محیط پیرامونی‌اش می‌تواند باشد که تا اکنون به‌گونه روشن کلید نخورده است. هدف امریکا از درگیر ساختن روسیه با محیط پیرامونی‌اش، می‌تواند این باشد که این کشور مصروف پرداختن به محیط فرایرپامونی‌اش شود و مزاحمتی برای امریکا نیافریند.

۳- نگراید؛ ۳- میان طالبان و امریکا شکاف ایجاد کند و از سقوط طالبان به دامن این کشور جلوگیری نماید؛ یعنی روسیه می‌خواهد به طالبان القا کند که این گروه در نظر امریکا عنصر نامطلوب است و بایستی برانداخته شود، حتی به بهای حمایت از گروه‌های تروریستی. اظهارات متناقض مقام‌های روسی نشان می‌دهد که این کشور تا هنوز دیدگاه منسجم، واحد و ثابتی در قبال وضعیت جاری افغانستان اتخاذ نکرده است. مقام‌های مسکو، گاهی با گفته‌های خود طالبان را نوازش می‌کنند و گاه سرزنش. گاهی تعامل با طالبان را توجیه می‌کنند و گاه هم این گروه را متهم به عدم اجرای تعهداتی می‌کنند که به این کشور داده‌اند. با توجه به گرفتاری‌هایی که روسیه در محیط پیرامونی خود دارد، به نظر می‌رسد وضع جاری در افغانستان این کشور را شدیداً نگران و دست‌پاچه ساخته است که نمی‌تواند رفتار واحدی را در برابر طالبان در پیش گیرد. در پیوند به نگرانی‌های روسیه چند نکته شایان تذکر است:

۴- روسیه فکر می‌کند که امریکا به دنبال خلق ناامنی در آسیای میانه است و گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان می‌تواند در معرض استفاده این کشور قرار گیرد. به زعم مقام‌های روسی، امریکا از خلق ناامنی در آسیای میانه دو هدف را دنبال می‌کند: یکی این‌که ناتوانی روسیه را در تامین امنیت این منطقه برملا سازد تا کشورهای این منطقه از روسیه روی برگردانند و به امریکا رجوع کنند؛ دوم این‌که امریکا به بهانه تامین امنیت در آسیای میانه می‌خواهد پایگاه‌های نظامی خود را در این منطقه مستقر سازد و روسیه را در حلقه محاصره قرار دهد. تحرکات گروه‌های تروریستی از یک سو و تحرکات امریکا از دیگر سو، بر اضطراب و دست‌پاچه‌گی مقام‌های روسی افزوده است.

۵- روسیه به طالبان به‌مثابه شریک قابل اعتماد نگاه نمی‌کند. مقام‌های روسی تنها وجه مشترک میان خود و طالبان را دشمنی با داعش می‌دانند. می‌توان گفت دشمنی با داعش است که روسیه و طالبان را کنار هم نگه داشته است، نه عوامل دیگر. اگر عوامل دیگری هم در کار باشد، دشمنی با داعش موثرترین آن‌ها است. زمانی که جمهوری‌ت در افغانستان برقرار بود، آقای ضمیر

۱- حضور گروه‌های تروریستی در شمال افغانستان برای روسیه نگرانی جدی و بزرگ است. روسیه هراس دارد که حضور این گروه‌ها در شمال افغانستان منجر به بیداری گروه‌های افراط‌گرای اسلامی در تاجیکستان، اوزبیکستان و قفقاز شمالی (چچن و داغستان) می‌شود. به باور مقام‌های روسی، جماعت انصارالله (طالبان تاجیکستانی)، حرکت اسلامی اوزبیکستان و همین‌طور جدایی‌طلبان چچنی در شمال افغانستان مستقرند و تسلط طالبان بر افغانستان این گروه‌ها را مبنی بر هراس‌انگنی در خاک جمهوری‌های آسیای میانه مصمم‌تر ساخته است. البته، حضور و فعالیت این گروه‌ها در افغانستان زمانی می‌تواند به معضل بزرگ‌تری برای روسیه تبدیل شود که با القاعده و داعش در هم آمیزند که در این صورت امنیت روسیه مستقیماً معروض خطر قرار می‌گیرد.

۲- روسیه به امریکا مشکوک است؛ مشکوک به این‌که یکی از اهداف امریکا این است که پس از خروج از

کابلوف، نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان، اظهار داشته بود: «منافع روسیه با منافع طالبان هم‌خوانی دارد؛ چون برای هر دو طرف سرکوب داعش در اولویت است.»^۴ تأکید روسیه بر تعامل با طالبان بیشتر نهفته در ضرورت برانگیختن این گروه در جهت سرکوب داعش است. روسیه در باریکه خطرناکی راه می‌رود و می‌خواهد گروه طالبان را که از روی ناگزیری با آن در تعامل است، تبدیل به دشمنی نکند که از هوس حمله داعش به آسیای مرکزی حمایت کند.

۶- روسیه در زمره کشورهای «تجدیدنظرطلب» قرار دارد. این کشور از آن رو تجدیدنظرطلب است که احساس می‌کند در معرض مخاطرات امنیتی قرار دارد. کشور تجدیدنظرطلب، هوای براندازی وضع موجود را در سر دارد و می‌خواهد به جای آن وضع مطلوب خود را نشانند. روسیه نظم جهانی به رهبری امریکا را برنمی‌تابد؛ چون تداوم این نظم را به زیان امنیت ملی خود می‌داند. کشورهای تجدیدنظرطلب از آن‌جایی که در معرض مخاطرات امنیتی قرار دارند، پیشینه کردن قدرت برای‌شان دغدغه‌ای بزرگ است. این کشورها، برای آن‌که نتوانند نگرانی‌های امنیتی خود را مرفوع بسازند، سیاست تهاجمی در پیش می‌گیرند. یک کشور تجدیدنظرطلب، به مار زخمی می‌ماند که فقط با نیش زدن آرام می‌گیرد. برای نمونه، حمله روسیه به اوکراین را می‌توان در همین راستا معنا کرد. روسیه گمان کرد که از چند سو در محاصره نیروهای رقیب قرار گرفته است و امنیت ملی‌اش در معرض مخاطره قرار دارد. از این رو، برای پیشینه کردن قدرت و تامین امنیت، به اوکراین حمله‌ور شد؛ حمله‌ای که تا این‌دم پایانی برای آن متصور نیست و همچنان به قطع نمی‌توان گفت که امنیت را به مرزهای روسیه برمی‌گرداند یا نه.

سخن را با تأکید بر نکته ششم پایان می‌دهم. از آن‌جایی که روسیه عمیقاً نگران امنیت مرزهای خود است و سیاست تهاجمی اختیار کرده است، دشوار بتوان گفت که تعامل این کشور با طالبان عمر طولانی داشته باشد. روسیه دیر یا زود با طالبان درخواست افتاد؛ چون نگرانی‌های امنیتی را که این کشور دارد، طالبان نه توان برآورده کردن آن را دارند و نه هم اراده آن را. برای روسیه، اقتصاد، تجارت و ارزش‌های مردم‌سالاری نسبت به نگرانی‌های امنیتی در رتبه پایین قرار دارد. به نظر می‌رسد که این کشور در خصوص نگرانی‌های امنیتی خود نمی‌تواند شوخی را تحمل کند؛ چنان‌که در اوکراین نکرد. آینده ممکن است شاهد آستان تقابل گرم میان روسیه و طالبان باشد.

۱. ر. ک: <https://sputnik.af> ۲۰۲۳۰۴۲۸
۲. ر. ک: <https://didpress.com>
۳. ر. ک: <https://www.irna.ir/>
۴. ر. ک: <https://www.farsnews.ir/> ۸۵۱۰۲۷۳۵/news
<https://www.farsnews.ir/> ۱۳۹۵۰۹۲۲۰۰۰۶۶۷/news

حضور پرشور و جدی احزاب در فضای سیاسی ترکیه نمایانگر نهادینه شدن دموکراسی در این کشور است. در کشورهای اسلامی کمتر اتفاق می‌افتد که حزب بر سر اقتدار و برخوردار از رهبری کاریزماتیک و کارآزموده، با اجزایی مواجه شود که قدرتش را در انتخابات به چالش بکشند و حتا آن را از دستش برابیند. چنین چیزی همین حالا در ترکیه در حال روی دادن است. در دموکراسی‌ها و جمهوری‌های قلابی با اپوزیسیون به‌عنوان دشمن برخورد صورت می‌گیرد و با به‌کارگیری انواع حیل‌ها کوشش می‌شود که رقیبان از بازی حذف شوند.

بسیاری از کشورهای اسلامی هم‌زمان با ترکیه با مدرنیته آشنا شدند و کوشش کردند شیوه‌ای مناسب را برای مواجهه با تحولات جدید پیدا کنند. بسیاری از این کشورها در این راه تا حدی پیش رفتند و بعضی از آن‌ها دچار رکود یا عقب‌گرد شدند. مطالعه تاریخ ترکیه مدرن، سایر کشورهای اسلامی را قادر می‌سازد تا به اشتباهات و خطاهای خود پی ببرند و در یافتن پاسخ به این سوال که چرا ترکیه رو به جلو حرکت کرد و ما هنوز هم در خم یک کوچه هستیم، یاری می‌رساند. تاریخ پرتلاطم ترکیه معاصر می‌تواند آینه‌ای باشد تا چهره واقعی خود را به‌درستی بشناسیم و بدانیم که در چه وضعی قرار داریم.

ادامه در صفحه ۷

دموکراسی ترکیه وحسرت‌های ما

شهاب

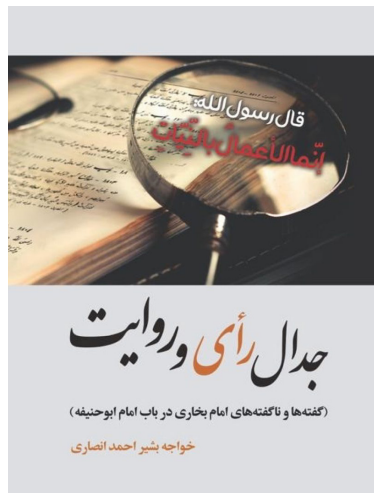
حدود ۹۰ درصد واجدان شرایط، موفقیتی بزرگ برای ترکیه به حساب می‌آید. این واقعه بیانگر آن است که دموکراسی در ترکیه نهادینه شده و موانع را پشت سر گذاشته است. تاریخ ۱۰۰ سال اخیر ترکیه بارها گواه براندازی حکومت‌های منتخب از سوی نظامیان بوده است، اما اگر از حق و انصاف نگذریم، یکی از دستاوردهای کلان رجب طیب اردوغان در ۲۰ سال حکمرانی‌اش این بوده که دست نظامیان را از دخالت در روندهای دموکراتیک قطع کرده است. او در این راه با چالش‌های فراوانی دست به گریبان شد، ولی سرانجام موفق شد نظامیان را سر جای‌شان بنشاند و سایه آنان را از سر نظام سیاسی کشورش کم کند.

چه اردوغان را دوست داشته باشیم و چه از او منتفر باشیم، نقش وی را در شکل‌دهی تاریخ معاصر ترکیه نمی‌توان نادیده انگاشت. بعضی وی را مهم‌ترین شخصیت پس از اتاتورک در تاریخ ترکیه می‌دانند. اگر این نکته را در نظر آوریم که او در این ۲۰ سال، در عرصه‌های مختلف به دستاوردهای قابل ملاحظه دست یافته و چهره ترکیه را به‌کلی عوض کرده، آنگاه منصفانه‌تر در مورد او سخن خواهیم زد. یادمان باشد

مصطفی کمال اتاتورک تقریباً هم‌زمان با رضاشاه میرپنج در ایران و امان‌الله خان در افغانستان، در راس قدرت قرار گرفت و ترکیه مدرن را بنیان گذاشت. ترکیه در این ۱۰۰ سال، فراز و نشیب زیادی را تجربه کرده و شکست‌ها و پیروزی‌هایی را دیده است. ما به‌عنوان شهروندان کشور فلاکت‌زده افغانستان، وقتی می‌خواهیم به جمع‌بندی سریع از این ۱۰۰ سال برسیم، از خود می‌پرسیم: در حال حاضر ترکیه در چه وضعی قرار دارد و ما در چه حالتی قرار داریم؟ طبعاً مقایسه افغانستان با ترکیه و بازخوانی حوادثی که بر این دو کشور در ۱۰۰ سال اخیر گذشته، ما را غمگین و افسرده می‌کند و وجدان‌های ما را می‌آزارد، لیکن لازم است برای رسیدن به خودشناسی به هدف یافتن راهی برای خروج از این وضعیت مصیبت‌بار، از این دست کارهای ناخوشایند انجام دهیم.

قطع نظر از این‌که چه کسی برنده انتخابات ریاست جمهوری ترکیه در دور دوم خواهد شد، برگزاری انتخابات در فضای دموکراتیک و رقابتی و با حضور

جدال رای و روایت...



داماد ابوهیره به نام سعید بن مسیب بعد از وی یکی از روایان مشهور حدیث شد، و با آن که خودش شخصا از نزدیکی به دستگاه حکومت اجتناب می کرد، ذخیره روایاتی که در اختیار داشت به او موقعیت مهمی بخشیده بود، و از این رو سرمایه معنوی به شمار می رفت که هم امویان و هم رقبای شان مانند حکومت عبدالله بن زبیر به استفاده از این سرمایه چشم دوخته بودند. یکی از شاگردان برجسته سعید بن مسیب کسی به نام ابن شهاب زهري (متوفای ۱۲۴ هجری) است که از مراجع بسیار مهم مکتب اهل حدیث به شمار می رود. وی با تقرب به مرکز قدرت امپراتور اموی در عصر عبدالملک بن مروان، از امکانات مالی فراوانی برخوردار شد، تا جایی که هشتاد هزار درهم قرض وی را هشام بن عبدالملک پرداخت. راه یافتن او به مرکز قدرت اموی راه را برای ترویج صنعت حدیث گشود و شبکه ای از روایان با پشتوانه حکومتی به وجود آمد که در سراسر قلمرو امپراتوری فعالیت داشتند. همین شبکه بود که بستر ترویج احادیث و روایات را فراهم کرد و سپس عمر بن عبدالعزیز، که برادرزاده عبدالملک بن مروان بود، در دوران حاکمیت خود والیان را در کشورهای مختلف موظف کرد تا ترویج احادیث و روایات را در مناطق تحت حاکمیت خود با استفاده از امکانات دولتی بر عهده بگیرند. این روند از یک سو حدیث را به حرفه اقتصادی تبدیل کرد و از سوی دیگر، به نیازی

روایت مادری که...

در یکی از روزهای تابستان که بوبوچان با نواسه هایش در حال بازی است، عروسش گریه کنان می دود و خبر می دهد که شوهرش در حالت بدی قرار دارد و تا چند ساعت دیگر به ولایت خودشان منتقل می شود. بوبوچان در آن لحظه عروسش را آرام می سازد و توصیه می کند که نماز و قرآن بخواند و دعا کند. بعد از دو ساعت، هنگامی که بوبوچان زیر گرمی آفتاب برای سلامتی پسرش در حال دعاست، دعایش به آخر نمی رسد که جسد پسرش را از دروازه وارد خانه می کنند. از جایش بلند می شود و می خواهد صورت پسر دلسوزش را بعد از مدت ها ببیند. پارچه سفیدی را از صورت پسر بی جانش برمی دارد، دلش داغ می گردد، چشم هایش سیاه می شود. او پسرش را نمی شناسد؛ زیرا صورتش پر از زخم گلوله بود. بوبوچان حتا برای آخرین بار هم نتوانست پسرش را ببیند.

پسر چهارمی بوبوچان که از جنگ و دخیل شدن در جنگ نفرت داشت و تمام دنیا را به کتاب های شعرش نمی داد، آن روز با خود عهد می بندد که اجازه نمی دهد خون برادرش حیف شود. از آن روز بیش تر از پیش طالبان دشمن او می گردند. شعر و کتاب را ترک می کند و سلاح برمی دارد. بوبوچان نگاهش را به سوی کتاب هایی که از پسرش برجا مانده است می چرخاند و می گوید: «همان روز جسد برادرش را دفن نکرد، قسم خورد تا یک طالب زنده باشد، می جنگد. کتاب ها را به ما گذاشت و خودش رفت. من هرچه تلاش کردم، مانعش شده نتوانستم.»

کتاب شعری از سهراب سپهری را به دستم می دهد. در صفحه نخست کتاب، نام، امضا و تاریخ را نوشته است. بوبوچان می افزاید: «من تمام کتاب هایش را نگاه کرده ام و ماه یک مرتبه می بینم تا خاک و گردوغبار روی شان ننشینند.» پسرش کتاب را دوست داشت و همیشه زیر لب شعری را زمزمه می کرد. حتا آن روزهایی که بعد از شش ماه آموزش کوتاه به سنگر می رود، کتاب شعر را با خود برده بود. بوبوچان با شوق و دلتنگی بسیار می گوید: «در سنگر برابم شعر می خواند.» وقتی نظام جمهوری سقوط می کند و ارتش تکه پاره می شود، پسر بوبوچان با دوستانش می روند در مخفی گاه زنده گی می کنند تا خود را آماده جنگ با طالبان سازند. او قسم خورده بود که می جنگد و سعی کرد روی قسمش بایستد. اما مادرش از او قول این که از سنگر برگردد را می گیرد.

بوبوچان چشم هاش را پایین می اندازد، گویا کاری را که نباید می کرد، انجام داده است. سرش را به نشانه تأسف تکان می دهد و اضافه می کند: «اجازه ندادم دیگر بجنگد. اگر یک پسر دیگر می داشتم، می گذاشتم. ولی این مرد جنگ نبود. از روزی که خودش را شناخت، کتاب و قلم گرفت، شعر می گفت و کتاب می خواند.» بوبوچان سه پسرش را از دست داده است. دو پسر را در راه خدا و وطن فدا کرده، اما این یکی آخری را جز مدتی، دیگر اجازه زمیند نداد و به گفته خودش، «یکی اش را به خود» نگه کرد. یکی که فعلا زنده است، اما در کنار مادرش زنده گی نمی تواند. مادری که عرق چین جوانی اش را به سر می کند، دلش غم کهنه و عمیق دارد. او به یاد روزهایی گریه می کند که پسرانش دور دسترخوان جمع می شدند و قصه می کردند.

افغانستان در بیش از چهار دهه گذشته قربانی جنگ های مسلحانه بوده است. نبرد با قشون سرخ شوروی سابق، جنگ های تنظیمی، مبارزه با طالبان، حملات انتحاری و انفجاری که در دوره جمهوریت صورت می گرفت، آغوش هزاران مادر را از فرزند و فرزندان را از سایه محبت مادر و پدر محروم کرده است. نبردهای خونین هنوز هم ادامه دارد که از شهروندان افغانستان قربانی می گیرد و خانواده ها را بر گلیم غم می نشاند.

در حالی است که بزرگان صحابه، کسانی که بیست سال با پیامبر همراه بودند و بیست سال بعد از وی نیز زنده گی کردند بیش از چند حدیث انگشت شمار روایت نکرده اند. امپراتوری عباسی که پس از سقوط امویان روی کار آمد همچنان اهمیت حدیث و روایت را در نظر داشت، و تالیف اولین و مشهورترین کتاب حدیث در قرن دوم هجری به دست امام مالک به نام الموطأ، در زمان ابوجعفر منصور عباسی انجام شد، و مورد استقبال او قرار گرفت. منصور که مؤسس واقعی امپراتوری عباسی است پروژه چندبندی داشت، که بخشی از آن حذف خراسانیان از قدرت بود، بخشی دیگر مهار بلوایان، و بخشی تصفیه حساب با میراث امویان یا بازسازی آن در خدمت امپراتوری تازه تاسیس. در این زمینه بود که تدوین کتابی از سخنان منسوب به پیامبر اسلام در زمان او اهمیت سیاسی خاصی پیدا می کرد، شبیه جمع آوری قرآن در زمان حضرت عثمان. منصور عباسی همچنان باعث تالیف اولین زنده گی نامه پیامبر اسلام بود که به نام سیره ابن اسحاق می شناسیم. این کتاب کلیدی ترین اثر در این زمینه است و تا امروز هیچ کتابی جای آن را نگرفته است.

این نمونه های گذرا که اشاره شد، مشت نمونه خروار است و اگر بخواهیم تمام حوادث آن دوران و نقش دستگاه های سیاست در ایجاد نهاد روایت و برجسته ساختن جایگاه اهل روایت را با تفصیل بیش تر بکاوییم، باید به پژوهش بسیار دامنه دارتر روی آوریم. هر پژوهشگری که تحت تاثیر دعاوی ایدئولوژیک قرار نداشته باشد، به وضوح خواهد دانست که مساله احادیث و روایات یک قضیه ساده و بی طرفانه علمی نبود، بلکه ایجاد یک نهاد (Institution) گسترده در سطح بزرگترین امپراتوری آن روزگار بود که برای اعطای مشروعیت و تحکیم حاکمیت آن بسیار موثر بود، و این کار با تکیه صرف بر قرآن پیش نمی رفت. اتفاقا کارایی اندک قرآن در زمینه استفاده سیاسی، به ویژه در میان خود مسلمانان، از همان سال های نخست نمایان شد، چنان که حضرت علی به عبدالله بن عباس گفت که با خوارج با استدلال به قرآن بحث نکن، زیرا قرآن توجیهات گوناگون برمی دارد. او تاکید کرد که با سنت استدلال کن. البته سنت در آن زمان بیش تر به معنای عرف بود نه مفاهیم فنی ای که در ادوار بعدی رواج یافت. در آن شرایط، مبنای مشروعیت نظام های سیاسی سنت ها و رویه های گذشته گان بود و ذخیری که به نام حدیث و روایت می شناسیم برای این هدف به خوبی کار می داد.

که دستگاه امپراتوری برای تثبیت پایه های خود داشت پاسخ می داد. در طرف مقابل، کسانی که در مقام رقابت سیاسی با حاکمیت این امپراتوری قرار داشتند، در آن زمانه تکیه گاه ایدئولوژیک خود را در روایات می دیدند. احادیث و روایات در این جا سرمایه سیاسی - اجتماعی بود که همانند زرادخانه نظامی عمل می کرد و سبب تقویت یک دستگاه سیاسی یا تضعیف آن می شد. برای مثال، هنگامی که عبدالله بن زبیر در برابر امپراتوری اموی قیام کرد و مناطقی از حجاز تا عراق و مصر را به زیر حاکمیت خود درآورد، برای این کار نیاز به مشروعیت داشت و او می کوشید این مشروعیت را از چند طریق به دست آورد. یکی فرزند زبیر بن العوام، پسر عمه پیامبر اسلام و دوم، خواهرزاده حضرت عایشه است. تاریخچه سیاسی حضرت زبیر و حضرت عایشه، به ویژه در حوادث بعد از قتل حضرت عثمان و جنگ جمل، سرمایه سیاسی برای عبدالله ابن زبیر بود. پدرش زبیر به رغم این که از سابقه داران اسلام بود، برخلاف ابوهیره و دیگران، حدیث روایت نمی کرد و به این عنوان معروف نبود، هرچند که بیست سال در زنده گی پیامبر در کنارش بود و بیست و پنج سال بعد از وی از رهبران جامعه اسلامی به شمار می رفت. فرزندش عبدالله که چنین سرمایه ای از سوی پدرش نداشت، آن را از طریق پناه بردن به روایات حضرت عایشه جبران کرد و حکومت وی با برجسته کردن نقش حضرت عایشه در این زمینه توانست با سلاحی به مقابله امویان برود که آن حکومت استفاده می کرد. به همین جهت، یکی از روایان برجسته احادیث، عروه بن زبیر، به مهم ترین راوی احادیث وی تبدیل شد و از این طریق حضرت عایشه نیز به یکی از روایان پرشمار احادیث معروف گردید، هرچند ما نمی دانیم که آیا حضرت عایشه واقعا این همه حدیث را روایت کرده یا در آن شرایط سیاسی زمینه جعل پیدا کرده است. پدیده جعل احادیث حتا در حیات خود پیامبر اسلام شروع شده بود و ایشان به همان جهت ناچار شد که بارها از این بابت هشدار بدهد. همین داستان درباره امپراتوری عباسی هم وجود دارد، زیرا برجسته شدن نقش عبدالله ابن عباس، به عنوان نیای خلیفه گان جدید، ریشه سیاسی داشت. به لحاظ تاریخی مشهور است که عبدالله بن عباس در زمان وفات پیامبر اسلام کودکی ده ساله بود؛ اما بیش از یک و نیم هزار حدیث را روایت کرده است. این

دموکراسی ترکیه و...



ما باید تحولاتی را که در ۲۰ سی سال اخیر در ترکیه صورت گرفته و این کشور را از یک کشور منزوی و بیگانه ستیز به سرزمینی توریستی و پر جاذبه برای سرمایه گذاران خارجی تبدیل کرده، به خوبی مطالعه کنیم. طبعاً بررسی این برهه زمانی، نکات بسیاری را برای ما می آموزد. یکی از این نکات این است که برای استفاده از فرصت ها و اصلاح امور در سطح یک کشور بزرگ، حتا ربع قرن هم کافی است. بسیاری از کشورهای جهان در همین سی - چهل سال اخیر از فرش به عرش رسیده و دنیا را به شگفتی و داشته اند. یک فرصت بیست ساله طلایی (۲۰۰۱-۲۰۲۱) برای ما نیز میسر شد، اما متأسفانه نظر به عوامل مختلف، نتوانستیم از آن به درستی بهره ببریم. اگر از ظرفیت بالای انسانی برخوردار می بودیم، اگر سیاستمداران ما آینده نگر می بودند و منافع ملی در اولویت شان قرار می داشت، اگر مدرنیست های ما دچار افراط و ناشی گری نمی شدند و در برنامه های خود اوضاع فرهنگی و اجتماعی افغانستان را در نظر می گرفتند و اگر رهبران سیاسی ما به آن اندازه از هشیاری و فراست بهره ور می بودند که سیاست های شیطانی همسایه گان

نهاد برگزارکننده انتخابات در ترکیه، آرای بیش از ۶۰ میلیون نفر را در حدود ۱۷ ساعت شمارش کرد. ما وقتی اقتدار خیره کننده نظام سیاسی ترکیه و عظمت و شکوه دموکراسی را در این کشور می بینیم، حتماً در ذهن ما سوال های زیادی خلجان می کند، از جمله این که چرا ما هیچ گاه نتوانستیم روندهای پیش رو و ترقی خواه را به سرمنزل مقصود برسانیم؟ چرا حرف های سیدجمال الدین افغانی و مصلحانی شبیه او هیچ وقت در کشور ما خریدار نداشته است؟ چرا امان الله خان نه تنها به موفقیتی نرسید، بلکه برای سال های دراز حرکت های ترقی خواه را از صحنه بیرون کرد؟ چرا دهه دموکراسی در اواخر حکمرانی ظاهرشاه مثل حباب ترکید و با کودتای سفید داوودخان ضرب صفر شد؟ چرا ما از ۲۰ سال نظام جمهوری پس از معاهده بن، برای کسب دستاوردهای بزرگ در عرصه های مختلف نتوانستیم بهره ببریم؟ چرا هرازگاهی گروه های مرتجع و عقب گرا فرصت می یابند تا امیدهای اندک را هم از بین ببرند و جامعه را در تاریکی مطلق قرار دهند؟ چرا با وجود آن که جریان های روشن اندیش در کشور ما سابقه طولانی دارند، هنوز هم نتوانسته اند به چالشی جدی در برابر مرتجعان بدل شوند؟ چرا نخبه گان ما توان به دست آوردن افکار عمومی را ندارند؟ چرا ارتجاع هیچ وقت از پا نمی ایستد و همواره ابتکار عمل را در دست دارد؟

خبرنگار ارشد:
ویراستاران:

امین کاوه
محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی

صفحه آرایی:
پذیرش مقالات:

Info@8am.media
Shaparsepahr@gmail.com • ۰۷۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

پذیرش اعلان:
نشانی پستی:

۰۲۵-۰۳۸، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ص ص نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ص ص است.
سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

ص ص
روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media

سنجر سهیل
محمد محق
حسیب بهش
Hasib.bahesh@8am.media

یونس نگاه، علی سجاد مولایی
فهمین امین
نصیر کاوشگر

مدیرمسئول:
سر دبیر:

تحلیل گران:
دبیر گزارش ها:

دبیر بخش ویدیو:

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubdaily
Twitter.com/@Hashtesubdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، جمهوری اسلامی ایران در سه روز گذشته دست کم ۱۴ زندانی را در زندان‌های شهرهای مختلف این کشور اعدام کرده است. رسانه‌های ایرانی گزارش داده‌اند که این اعدام‌ها از تاریخ ۱۳ می الی روز دوشنبه، ۱۵ می، صورت گرفته است. طبق گزارش، بامداد امروز پنج زندانی در زندان‌های میناب و بندرعباس و یک زندانی دیگر نیز در زندان فریدونکنار، واقع در ولایت مازندران اعدام شده‌اند. مجتبیا قهرمانی، رییس کل دادگستری هرمزگان گفت که اعدام‌شده‌گان همه‌گی از متهمان مواد مخدر و قتل بوده‌اند. این در حالی است که در روزهای اخیر اجرای احکام اعدام در زندان‌های ایران، افزایش پیدا کرده است.

بریتانیا صدها پهپاد تهاجمی دوربرد به اوکراین می‌دهد

دولت بریتانیا متعهد شده که صدها پهپاد تهاجمی دوربرد به اوکراین ارسال کند. بربنیاد گزارش رسانه‌های بین‌المللی، ارسال پهپادهای بریتانیایی به اوکراین روز دوشنبه، ۱۵ می، در دیدار ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا و ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین، مطرح شده است. بریتانیا همچنان قول داده که صدها موشک دفاع هوایی و تجهیزات هوایی بدون سرنشین با برد بیش از ۲۰۰ کیلومتر را در اختیار کی‌یف قرار دهد. انتظار می‌رود که تسلیحات تعهد شده ماه آینده به اوکراین ارسال شود. ظاهراً این کمک‌ها به هدف تقویت نیروهای اوکراین و آغاز ضد حمله این نیروها در برابر نظامیان روسیه صورت گرفته است. بریتانیا به‌عنوان یکی از متحدان اصلی اوکراین در برابر تهاجم روسیه پیش از این نیز تسلیحات دوربرد از جمله موشک‌های کروز با برد ۲۵۰ کیلومتر و تانک‌های جنگی چلنجر ساخت این کشور را در اختیار کی‌یف قرار داده است. ولادیمیر زلنسکی از چند روز به این سو سفر دوره‌ای‌اش را به کشورهای مختلف اروپایی آغاز کرده است. زلنسکی در این دور سفرش به اروپا، تا کنون به ایتالیا، آلمان، فرانسه و بریتانیا رفته و با رهبران این کشورها دیدار کرده است.

سازمان صحت جهان:

کم‌خونی ۸۴۰ میلیون زن و کودک را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار داده است

سازمان صحت جهان می‌گوید که کم‌خونی یک مشکل جدی بهداشت عمومی جهانی بوده که ۵۷۱ میلیون زن و ۲۶۹ میلیون کودک خردسال را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار داده است. این نهاد روز دوشنبه، ۱۵ می، با نشر گزارشی از کشورهای جهان خواست که تا سال ۲۰۲۵ میزان شیوع کم‌خونی در زنان در سنین باروری را به نصف کاهش دهند. در گزارش آمده است: «پیشرفت در کاهش کم‌خونی کند بوده است و جهان در مسیر رسیدن به هدف جهانی قرار ندارد.» طبق گزارش، در سال ۲۰۱۹ کم‌خونی ۴۰ درصد از کودکان بین شش ماه تا پنج سال، ۳۷ درصد از زنان باردار و ۳۰ درصد از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله را تحت تاثیر قرار داده است. به گفته این سازمان، کم‌خونی بیشتر در کشورهای با درآمد کم و متوسط شیوع دارد. فرانچسکو برانکا، مدیر اداره تغذیه و ایمنی مواد غذایی سازمان صحت جهان می‌گوید: «بیشتر کارها در مورد رفع کم‌خونی بر پیشگیری و درمان کمبود آهن متمرکز شده است.» گفتنی است که کم‌خونی خطر ابتلا به عفونت و مرگ را افزایش می‌دهد، عملکرد شناختی را مختل می‌کند و باعث خستگی مفرط، نتایج بد بارداری، از دست دادن درآمد و رشد و توسعه ضعیف در فرد می‌شود.

وزارت عدلیه آمریکا: اف‌بی‌آی مدرکی از ارتباط ترامپ با روسیه نداشت

بر بررسی‌های ۴ ساله او درباره اشتباهات بالقوه اف‌بی‌آی در خصوص هرگونه ارتباط کارزار ترامپ با روسیه و کمک مسکو به رأی آوردن او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا است. بازرس ویژه دادستانی آمریکا با بیان این‌که کارزار «هیلاری کلینتون» نامزد دموکرات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ این کشور ماجرای ارتباط ترامپ با روسیه را جعل کرد تا توجیحات را از رسوایی افشای ایمیل‌های محرمانه خود منحرف کند، توضیح داده است که اف‌بی‌آی اما، برای تحقیق از این ادعاها استفاده نکرد. ترامپ نیز در واکنش به این گزارش گفته است: «مردم آمریکا فریب (اف‌بی‌آی) را خوردند، همان‌طور که در حال حاضر توسط کسانی که نمی‌خواهند عظمت آمریکا را ببینند، فریب داده می‌شوند.» این در حالی است که پیش از این وزارت عدلیه آمریکا، ۱۲ افسر اطلاعاتی روسیه را به هک رایانه‌های هیلاری کلینتون و حزب دموکرات در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا متهم کرده بود.

پس از گذشت هفت سال از اتهاماتی مبنی بر ارتباط کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین آمریکا در انتخابات سال ۲۰۱۶ این کشور با روسیه، اکنون وزارت عدلیه ایالات‌متحده به این نتیجه رسیده است که هیچ مدرکی در این خصوص وجود نداشت. بربنیاد گزارش رویترز، جان دورهام، بازرس ویژه وزارت عدلیه آمریکا ناوقت روز دوشنبه، ۱۵ می، گفته که اداره تحقیقات فدرال ایالات‌متحده هرگز نباید این تحقیقات را در این خصوص آغاز می‌کرد. جان دورهام در سال ۲۰۱۹ توسط «ویلیام بار» دادستان کل پیشین آمریکا برای بررسی منشأ تحقیقات اف‌بی‌آی درباره رابطه ترامپ و روسیه انتخاب شده بود. او تاکید کرده است که اداره تحقیقات فدرال ایالات‌متحده هیچ اطلاعات و مدرک واقعی مبنی بر رابطه تیم انتخاباتی ترامپ با مقامات روسی در زمان آغاز تحقیقات نداشت. گزارش دورهام که در ۳۰۶ صفحه تهیه شده، پایانی



امریکا تحریم‌های جدید را علیه ایران و روسیه وضع می‌کند

کاخ سفید با ادعای گسترش همکاری‌های نظامی میان ایران و روسیه، اعلام کرده است که ایالات‌متحده به زودی تحریم‌های جدیدی را بر آن کشورها وضع می‌کند. بربنیاد گزارش الجزیره، جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا این اظهارات را روز دوشنبه، ۱۵ می، در یک نشست خبری مطرح کرده است. کری افزوده است: «ایران بیش از ۴۰۰ پهپاد و یک‌سری گلوله توپ‌خانه‌ای را برای استفاده در جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار داده است. در روزهای آینده تحریم‌های جدیدی را علیه کسانی که در تامین تسلیحات روسیه از طریق ایران دست دارند، اعلام خواهیم کرد.» او تاکید کرده که همکاری نظامی تهران و روسیه تهدیدی برای اوکراین و همسایه‌گان ایران است. به گفته کری، ایران و روسیه در حال رای‌زنی در خصوص فروش تسلیحات پیشرفته به ویژه پهپادهای پیشرفته‌تر هستند. پیش از این نیز اتحادیه اروپا و آمریکا، ایران را به ارسال پهپاد به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین متهم کرده بودند. بااین حال تهران نخست این ادعاها را تکذیب کرد، اما پس از مدتی اعتراف کرد که ارسال پهپادهای انتحاری از نوع شاهد ۱۳۶ به روسیه، پیش از آغاز حمله مسکو به خاک اوکراین صورت گرفته است.

یک شهروند آمریکا به اتهام جاسوسی در چین به حبس ابد محکوم شد

دولت چین در پرونده‌های مربوط به امنیت ملی این کشور معمولاً پشت درهای بسته تصمیم می‌گیرد. محکومیت این شهروند آمریکا به حبس ابد در چین در اوضاعی صورت گرفته که روابط میان بیجینگ و واشنگتن اخیراً در پایان‌ترین سطحش در نیم قرن اخیر رسیده است. دولت آمریکا هنوز در پیوند به محکوم شدن این شهروندش به حبس ابد در چین، واکنشی نشان نداده است.

براساس اطلاعات نشر شده، لیونگ در ۱۵ اپریل، سال ۲۰۲۱ از سوی نیروهای امنیتی چین در ساحه سوژوی ایالت جیانگ‌سو، بازداشت شد. افزون بر این، دادگاه اموال شخصی این شهروند آمریکا به ارزش بیش از ۷۱ هزار دلار آمریکایی را نیز مصادره کرده است. مقامات چینی و رسانه‌های این کشور هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد بازداشت لیونگ و روند رسیده‌گی به پرونده‌اش که منجر به محکومیت او شده را نشر نکرده‌اند.

یک شهروند آمریکا به اتهام جاسوسی از سوی دادگاهی در شهر سوژوی چین به حبس ابد محکوم به مجازات شد. سی‌ان‌ان به نقل از بیانیه دادگاه بین‌المللی مردم چین روز دوشنبه، ۱۵ می، گزارش داده که این شهروند ۷۸ ساله آمریکا، جان شینگ وان لیونگ نام دارد و ساکن دایمی شهر هنگ کنگ چین بود. در بیانیه دادگاه جزئیات بیشتری در مورد این شهروند آمریکایی داده نشده است.



در پاکستان گفته بود که بدون استعفا رییس ارتش این کشور، برگشت ثبات سیاسی در پاکستان ناممکن است. او در حالی شهروندان پاکستان را به «فعالیت‌های قاطع و صریح» اما بدون خشونت در برابر دولت این کشور دعوت کرده که هفته‌های گذشته در نتیجه اعتراضات خشونت‌آمیز هواداران عمران خان، ۱۰ تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند.

خلیل‌زاد شهروندان پاکستان را به اعتراض در برابر دولت دعوت کرد

او همچنان گفته که دولت پاکستان با طرح بازداشت بشرای بیگم، ظاهراً در صدد ادامه «قانون مبهم فتنه» به هدف بازداشت خان و نگهداشتنش در زندان است. زلمی خلیل‌زاد، ضمن آن که این اقدام دولت پاکستان را غیرقابل توجیه و بی‌پروایی خوانده، بار دیگر به خواست قبلی‌اش مبنی بر استعفا منیر عاصم، رییس ارتش پاکستان، و تعیین زمان مشخص برای برگزاری انتخابات در این کشور، تاکید کرده است. ناآرامی‌های سیاسی هفته گذشته در پاکستان موج تازه‌ای از رویارویی دولت این کشور با حزب تحریک انصاف را رقم زد. خلیل‌زاد پیش از این نیز در پیوند به تنش‌های سیاسی اخیر

زلمی خلیل‌زاد، نماینده پیشین آمریکا در امور افغانستان، در تازه‌ترین اظهاراتش نسبت به تنش‌های سیاسی در پاکستان، از شهروندان این کشور خواسته است که در صورت تداوم یا تشدید «سیاست‌های مخرب» دست به فعالیت‌های «قاطع، صریح» اما غیرخشونت‌آمیز بزنند. خلیل‌زاد صبح روز دوشنبه، ۱۵ می، این مطلب را در پیوند به نشر شایعات مبنی بر بازداشت بشرای بیگم، همسر عمران خان، از سوی دولت پاکستان بیان کرد. نماینده پیشین آمریکا در امور افغانستان گفته که ظاهراً دولت پاکستان به جای عقب‌نشینی از لبه پرتگاه در صدد تقویت بحران سیاسی موجود در این کشور است.